

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۵ نومبر ۲۰۱۹

خیزش های مردمی از خاورمیانه تا امریکای لاتین، نشانه های بارز بحران سرمایه داری اند!

مقدمه

در چند ماه اخیر علاوه بر شهرهای لبنان، عراق و چیلی کشورهای فرانسه، اسپانیا، هائیتی، سودان، روسیه، مصر، اوگاندا، اندونزی، اوکراین، پرو، هانک کانگ، کلمبیا، ترکیه، ونزوئلا، برزیل، الجزیره، اکوادور و دیگر کشورهای جهان در سطوح مختلف شاهد اعتراضات مشابهی بودند که شدت آن در دوره های گوناگون متغیر بوده است.

تقریباً در همه این کشورها، این ویژگی مهم به چشم می خورد که تجمعات با یک توقع کوچک کلید می خورد و سپس خواسته های بسیار بزرگ و در سطوح عالی اجتماعی و سیاسی مطرح می شوند. نگرانی از حذف سوبسیدهای دولتی در کنار افزایش هزینه های زندگی، بیکاری و بی اعتمادی به سیاست دولت ها، تقریباً نقطه مشترک همه این تحولات بوده است.

روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی آورده است: اعتراضات گسترده ای که بسیاری از کشورهای جهان را درگیر کرده است به شرایط جیب مردم و توانایی اقتصادی آن ها ارتباط دارد. طبق تحلیل روزنامه نیویورک تایمز، عوامل متعددی در رشد سریع این اعتراضات دخیل بوده اند؛ مسائلی هم چون کاهش رشد اقتصاد جهان، عمیق تر شدن شکاف میان طبقه فقیر و غنی در کنار افزایش چشم گیر جمعیت جوان کشورها، نسلی پرتحرک با آرزوهای عقیم را ایجاد کرده است. هم چنین متوقف شدن گسترش دموکراسی در سطح جهان، شهروندان را با دولت هائی غیرپاسخگو رو به رو کرده و همین امر موجب ناامیدی افکار عمومی شده است. شهروندان ریختن به خیابان ها را تنها راه برای تحمیل تغییرات تصور می کند.

خیزش ها، شورش ها، قیام های شهری و اعتراضات مردمی از خاورمیانه تا امریکای لاتین را فرگرفته است که همگی نشانه های بارز بحران سیستم سرمایه داری جهانی را به نمایش می گذارند. همه این اعتراضات بر علیه بیکاری، گرانی، فقر و فساد و سرکوب دولتی است و به این معنی، طبقاتی و شورش کارگران، بیکاران، محرومان و ستم دیدگان است.

در عراق اعتراض های برعیه تبعیض و نابرابری، بیکاری، فقر و فساد دولتی آغاز شد. در چیلی افزایش بهای بلیت مترو اعتراضات را جرقه زد، و در لبنان مالیات بستن بر تماس های واتس آپ.



حتی در عربستان سعودی، که به دلیل ترس از سرکوب دولتی، اعتراض عمومی در آن عملاً غیرقابل تصور می‌نماید، عصیان و شورش نادری بر سر افزایش ۱۰۰ درصدی مالیات روی قبض رستوران‌های عرضه‌کننده قلیان به‌راه افتاد و هشتگ آن در عربستان تبدیل به ترند شد.

افزایش قیمت پیاز در هند باعث شد کشاورزان بزرگراه‌ها را مسدود کنند و اعتراضات کوتاه مدتی را به راه بیندازند.

وسعت و شدت آن‌ها در حدی است که عنوان‌های اول‌بیش‌تر رسانه‌های جهان را به خود اختصاص داده‌اند. این اعتراضات از خواسته‌ها و مطالبات اقتصادی و اجتماعی آغاز می‌شوند و به سرعت کل قدرت سیاسی حاکم در کشورها را هدف می‌گیرند. منشاء این جنبش‌ها را در شکاف میان فقر و ثروت در جهان که روز بروز عمیق‌تر می‌شود، باید جست‌وجو و مورد بحث و بررسی قرار داد.

در سال‌های اخیر کشورهای مختلف جهان، کانون اعتراض‌ها و شورش‌های بخش‌های مختلف جامعه بوده‌اند. از اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ ایران تا حالا جنبش جلیقه زردها در فرانسه، قاهره، هانگ کانگ، بغداد، بیروت، سانتیاگو (چیلی) و کیوتو (اکوادور) را فراگرفته است.

وجه مشترک این اعتراض‌ها، عمدتاً به تبعیض و نابرابری، فقر، بیکاری و فساد دولتی است.

در ایران، بیش‌تر جمعیت جوان به خصوص فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، بیکارند. بنا بر آمار وزارت علوم ایران، تنها در فاصله میان ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ مراکز آموزش عالی ایران با رشد دو برابری از ۱۳۰۰ مرکز به دو هزار و ۵۰۴ مرکز افزایش یافت و تعداد دانشجویان کشور هم از دو میلیون و ۴۰۰ هزار با افزایش بیش از دو برابری به بیش از چهار میلیون و نیم در سال ۹۲ رسید.

معاون آموزشی وزارت علوم در همین رابطه اذعان می‌کند که این مراکز حالا «بعد از گذشت چند دهه نه تنها کمکی به رفع معضلات جامعه نکرده است، بلکه خود به معضل اصلی در کشور نیز تبدیل شده است، به طوری که در حال حاضر از یک سو شاهد افزایش آمار بیکاری در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستیم و از سوی دیگر صندلی‌های خالی از دانشجویان، سالیانه بودجه هنگفتی از سرمایه کشور را می‌بلعد.»

هم چنین تحصن در برابر کنسولگری ایران در کربلا، پائین کشیدن و پاره کردن عکس خامنه ای و حمله به دفاتر و ساختمان های احزاب و گروه های شبه نظامی عامل سپاه قدس حکومت اسلامی، نشان گر خشم بخش قابل اعتنائی از شیعیان عراق علیه بنیادگرائی اسلامی شیعه محور در عراق است که با تشکیل شبکه ها و تشکل ها درصدد نهادینه کردن نفوذ خود در ساختار قدرت عراق است.

شاید سران حکومت اسلامی و عاملین آن در عراق، هرگز تصور نمی کردند شهر کربلا که دو هفته پیش محل گردهمایی میلیون ها شیعه بود، به مرکز اعتراض علیه حکومت اسلامی تبدیل شود؛ به خصوص پاره کردن عکس خامنه ای!

روزنامه الشرق الاوسط لندن روز شنبه ۱۱ آبان ۹۸، از قول سردبیر سابق این روزنامه نوشت: چندان دشوار نیست که بفهمی نظام ایران چه قدر در لبنان و عراق منفور شده و این هم ربطی به شبکه «العربیه» یا هشتگ سپاه الکترونیکی ندارد آن طور که برخی مقامات دولت حسن روحانی ادعا می کنند... بلکه در عراق نه شبکه اینترنت وجود دارد و نه «سوشیال مدیا»؛

دولت عراق برای خشنودی ایرانی هائی که فکر می کنند امواج تشویق و تحریک از فضای الکترونیکی می آیند، قطع کرد. اینترنت قطع است و شبکه های اجتماعی مرده، اما انقلاب زنده و پویاست.

سردبیر سابق روزنامه «الشرق الاوسط» و مدیر سابق شبکه العربیه می گوید: حکومت ایران، سعودی، امریکا و اسرائیل را سرزنش می کند با این ادعا که میلیون ها فردی که شهرهای عراقی و لبنانی را طی دو هفته گذشته غرق در اعتراضات خود کردند، ساخته این کشورها هستند.

با این وجود، سران حکومت اسلامی ایران، بسیار نگرانند که دیر و یا زود این اعتراضات به ایران نیز سرایت خواهد کرد. بی جهت نیست که رزمایش قطع اینترنت «به دستور حسن روحانی انجام شده است.» محمدرضا فرجی پور، جانشین قرارگاه سایبری سازمان پدافند غیرعامل گفته است «سال گذشته به دستور رئیس جمهور رزمایش قطع اینترنت» برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری امنیتی تسنیم، این سازمان در سال جاری نیز «رزمایش هک، اختلال، نفوذ و تخریب» را انجام داده است. درباره جزئیات این رزمایش گزارشی منتشر نشده است.

فرجی، هم چنین گفته که «ستاد مقابله با تحریم ها و تهدیدهای سایبری» برای مقابله با تهدیدات سایبری امریکا علیه ایران فعال شده است.

چیلی در میان کشورهای امریکای جنوبی بالاترین درآمد سرانه را دارد و نرخ تورم هم رقم دو درصد است، اما این ارقام و آمار لزوماً بیانگر توزیع عادلانه ثروت و امکانات و دسترسی حداقلی همگان به خدمات عمومی نیستند.

در فرانسه هم سختی و هزینه بری بالای زندگی در پاریس که زیستی راحت را برای بسیاری از شاغلان این شهر دشوار و حومه نشینی را به آن ها تحمیل کرده عاملی مهم در بروز جنبش جلیقه زردها بوده است.

در مورد کشورهای هائی مانند عراق و لبنان، ساختار ناکارآمد سیاسی و مبتنی بر تقسیم بندی ملی و مذهبی و طایفه ای است که فساد دولتی را در این کشورها نهادینه کرده است.

بر اساس آماري که اخیراً از جانب سازمان غیر دولتی «اوکسفام» انتشار یافته است، ثروت ۲۶ نفر از میلیاردرهای جهان برابر با کل دارائی های ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر، یعنی نصف ساکنین کره زمین است. مطابق تحقیقات سالانه مجله «فوربس» چاپ امریکا، بسیاری از این سرمایه داران هر ساعت بیش یک میلیون دالر درآمد دارند. در میان آن ها مالک کمپانی آمازون هر ساعت بیش از چهار و نیم میلیون دالر درآمد دارد. این در حالی است که بیش

از نیمی از مردم جهان، روزانه تنها پنج و نیم دلار درآمد دارند. تردیدی نیست که کل ثروت جهان محصول کار کارگر است که از سوی سرمای هداران و دولت های حامی سرمایه داری به یغام برده می شوند. سرمایه داران، همواره حاصل رنج و کار کارگران را غارت می کنند و تنها بخش کوچکی از ارزش کار کارگر، صرف زندگی بخور و نمیر وی و در واقع بازتولید نیروی کار می شود و بخش دیگر آن محصول کار، کارگر است که به صورت ثروت های نجومی در نزد سرمایه داران انباشته می گردد. سیستم سرمایه داری صنعتی طی دو قرن گذشته، بارها با بحران های بزرگ و کوچک رو به رو شده و منتقدین و مخالفینش هر بار، با اراده ای خلل ناپذیر به مرگ قریب الوقوع آن، مراسم خاک سپاری اش را تدارک دیده اند. برخلاف تبلیغات بنگاه های بزرگ خبری، بحران اقتصادی به پایان نرسیده و نشانه های تداوم و ژرفش آن در اقتصادهای امریکا و کشورهای اصلی اتحادیه اروپا به چشم می خورد.

چیلی

یک روز قبل از آغاز اعتراضات، رئیس جمهور چیلی، سباستین پینرا، با افتخار کشورش را جزیره ثباتی در امریکای لاتین خوانده بود. او در مصاحبه با فایننشیل تایمز، گفته بود: «ما حاضریم هر کاری انجام دهیم تا به ورطه پوپولیسم و عوام فریبی سقوط نکنیم.»

روز بعد از این مصاحبه، معترضان، در جریان جدی ترین خیزش مردمی چیلی طی دهه های گذشته، به کارخانه ها حمله ور شدند، ایستگاه های مترو را به آتش کشیدند و سوپرمارکت ها را غارت کردند، و نهایتاً پینرا را وادار به لشکرکشی به خیابان ها کردند. ده ها نفر کشته شدند، و پینرا که آشکارا عصبی و گیج بود از «جنگ علیه دشمنی قدرتمند و سرسخت» صحبت کرد.

حرکت های اعتراضی در چیلی که از حدود ده هفته پیش آغاز شده مدام اوج گرفته و به درخواست کناره گیری رئیس جمهوری رسیده است. روز جمعه ۲۵ اکتبر، تنها در پایتخت چیلی یک میلیون نفر به خیابان ها آمدند و علیه دولت تظاهرات کردند.

بر پایه برآورد مدیریت شهری سانتیاگو، پایتخت چیلی روز جمعه سوم آبان - ۲۵ اکتبر، تنها در این شهر، یک میلیون نفر به خیابان آمدند تا علیه سیاست های اقتصادی دولت اعتراض کنند.

اعتراض ها یک هفته پیش و در واکنش به افزایش بهای بلیط مترو در سانتیاگو آغاز شد. دامنه این اعتراض ها به خصوص از روز چهارشنبه که اتحادیه های کارگری اعلام اعتصاب عمومی کردند بسیار گسترش یافت.

اتحادیه های کارگری و نهادهای مدنی از شهروندان خواسته بودند به خیابان ها بیایند و بزرگ ترین جنبش اعتراضی تاریخ چیلی را رقم بزنند.

بنابر گزارش ها این اتفاق روز جمعه رخ داد و در سانتیاگو حدود یک میلیون نفر به خیابان آمدند. در پایتخت چیلی، معترضان هنگام عبور از مقابل ساختمان های دولتی خواستار کناره گیری رئیس جمهوری، «سباستیان پینرا» شدند.

کارلا روبیلار، شهردار سانتیاگو می گوید حرکت های اعتراضی پس از یک هفته به تجسم «قدرت تغییر» بدل شده است. او در یک پیام توئیتری روز جمعه را به خاطر حضور یک میلیون شهروند معترض در خیابان های پایتخت «یک روز تاریخی» خواند.

شهردار سانتیاگو «راهپیمائی مسالمت آمیز» حدود یک میلیون نفر در این شهر را نمایش «رویای یک چیلی جدید» توصیف کرد. هم زمان با این راهپیمائی صدها هزار شهروند چیلی در چند شهر دیگر دست به تظاهرات زدند. طی یک هفته گذشته حرکت های اعتراضی در چیلی در مواردی به خشونت کشیده شده است. پیش از این و در پی شدت گرفتن درگیری ها در سانتیاگو و بندر و الپارایسو برای دو هفته وضعیت اضطراری اعلام شده بود. جنبش اعتراضی در چیلی در حالی اوج گرفته که دولت سباستیان پینرا ضمن لغو افزایش بهای بلیط مترو و عذرخواهی از شهروندان به خاطر سیاست های ریاضتی وعده داده مجموعه ای از اصلاحات اقتصادی را به اجرا بگذارد.

معترضان چیلی در این بین خواستار افزایش دستمزدها و بهبود خدمات بهداشتی و آموزشی شده اند. برخی از تظاهر کنندگان هم چنین خواهان اصلاح قانون اساسی چیلی هستند. خبرگزاری المان، به نقل از موسسه ملی حقوق بشر چیلی گزارش داده که در یک هفته گذشته دست کم ۱۹ نفر در جریان ناآرامی ها کشته شده اند.

این موسسه می گوید در درگیری های روزهای گذشته میان معترضان و نیروهای انتظامی و پولیس ۵۸۵ نفر مجروح و دو هزار و ۸۴۰ نفر بازداشت شده اند.

ده ها هزار نفر روز جمعه یکم نوامبر در سانتیاگو نیز پایتخت چیلی علیه سیاست های اقتصادی دولت و «نابرابری اقتصادی» در این کشور تظاهرات کردند. تظاهرات اعتراض آمیز روز جمعه در حالی برگزار شد که دو هفته از آغاز موج اعتراضات می گذرد.

مقامات چیلی شمار شرکت کنندگان در تظاهرات روز جمعه در میدان «ایتالیا» در سانتیاگو را ۲۰ هزار نفر اعلام کرده اند. هر چند نیروهای امنیتی حضور پررنگی در جریان تظاهرات روز جمعه داشتند اما گزارش ها از بروز درگیری های پراکنده بین پولیس و تظاهر کنندگان حکایت دارد.

نیروهای امنیتی چیلی، برای متفرق کردن تظاهر کنندگان به شلیک گاز اشک آور و استفاده از ماشین آب پاش متوسل شدند.

معترضان روز جمعه علاوه بر سانتیاگو، در دیگر شهرهای چیلی نیز به خیابان ها آمدند. گزارش ها حاکی است که گروهی از معترضان در شهرهای «والپارایسو»، «وینا دل مار» و «پونتا آرناس» نیز علیه سیاست های دولت چیلی راهپیمائی کردند.

بازنگری در قانون اساسی و اصلاح نظام بازنشستگی چیلی دو خواسته اصلی معترضان است. این در حالی است که گروهی از شرکت کنندگان در تظاهرات خواستار کناره گیری سباستیان پینرا، رئیس جمهوری چیلی شده اند.

گزارش ها حاکی است که با وجود اعلام محدودیت رفت و آمد، اعتراضات خیابانی در چیلی ادامه دارد.

در همین زمینه سازمان ملل خواستار تحقیقات درباره مرگ معترضان و استفاده از زور علیه مردم شده است. میشل باچله، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، روز سه شنبه گفت باید درباره کشته شدن معترضان «تحقیقات مستقل» انجام شود.

او گفت برخی آمارها نشان می دهد شمار کشته ها به ۱۳ نفر و شمار زخمی ها به ۴۴ نفر رسیده که وضع ۹ نفر از آن ها وخیم است.

بر اساس آمارهای رسمی دولت چیلی تاکنون ۱۹۰۰ نفر از معترضان بازداشت شده اند.

این اعتراضات با افزایش قیمت بلیت مترو آغاز شد، اما طیف وسیعی از مطالبات، از جمله افزایش مستمری بازنشستگی، کاهش نابرابری های اقتصادی، افزایش تسهیلات پزشکی و غیره در شعارهای اعتراضی مطرح شده است.

سباستین پینیو را، رئیس جمهوری چیلی روز شنبه افزایش قیمت بلیت مترو را لغو کرد، اما اعتراضات کماکان ادامه دارد.

عراق

اعتراض های ضد دولتی از بامداد جمعه سوم آبان در بغداد و چند شهر دیگر عراق از سر گرفته شد و در ناصریه، مرکز استان ذی قار، معترضان ساختمان استانداری را به آتش کشیدند. برخی گزارش ها به کشته شدن یک معترض در بغداد و چهار تن از معترضان در ناصریه اشاره کرده اند.

به گفته خبرگزاری های فرانسه و رویترز، در ناصریه چند هزار معترض وارد ساختمان استانداری شدند و بخشی از آن را به آتش کشیدند.

هم چنین به گفته پولیس عراق، در اعتراض های روز جمعه یکم نوامبر، دفاتر چند حزب سیاسی در ناصریه و در چند شهر دیگر از مناطق جنوبی عراق به آتش کشیده شده است.

تظاهرات در بغداد از نیمه شب و ساعتی پس از پخش شدن نطق تلویزیونی عادل عبدالمهدی، نخست وزیر عراق، آغاز شد.

عادل عبدالمهدی در سخنان خود وعده داد که ضمن پیگیری اصلاحات، هفته آینده ترمیم کابینه را آغاز کند.

عبدالمهدی در نطقش گفت: «درخواست برای سرنوشتی دولت بدون یک قانون اساسی جایگزین، کشور را به آشوب می کشد.»

با این حال پس از پخش این سخنان، معترضان در نزدیکی میدان التحریر بغداد جمع شدند و شعارهایی علیه دولت سردادند.

به گزارش خبرگزاری ها، هزاران عراقی بعد از ظهر روز شنبه دوم نوامبر، به سوی مرکز شهر بغداد به راه افتادند تا به تظاهرات و اعتراضات خود ادامه دهند.

تظاهر کنندگان در بخش هایی از پل جمهوری و میدان التحریر و اطراف آن تجمع کرده و علیه حکومت به گفته آن ها «فاسد و ناکارآمد» شعار دادند.

معترضین همچ نین برای جلوگیری از اصابت نارنجک های گاز اشک آور که طی روزهای گذشته باعث کشته و زخمی شدن تعداد زیادی از تظاهر کنندگان شد، بر روی پل جمهوری منهی به منطقه «الخضراء» سدی از آجر و بلوکبه بلندی چهار متر ایجاد کردند تا مانع اصابت مستقیم نارنجک های گاز اشک آور به جسد معترضان شود.

در بصره جنوب عراق نیز اعتراضات از روز شنبه بار دیگر از سر گرفته شد به طوری که صدها تن از تظاهرکنندگان به سوی جاده منتهی به بند ام قصر راهپیمائی کرده و علیه فساد دولت شعار دادند.

تظاهرات، هم چنین در شهرهای ناصریه، مرکز استان ذی قار (جنوب شرقی عراق) برای نهمین روز در میدان «الجبوبی» در مرکز شهر از سر گرفته شد صدها نفر در مرکز شهر تجمع کرده و علیه آنچه که «دولت فاسد» نامیدند شعار دادند.

رعد سالم، فعال مدنی در تماس با العربیه گفت: «ما معترضان تصمیم گرفتیم صحنه را ترک نکنیم مگر اینکه تمام خواسته های بویژه سرنگونی دولت فاسد برآورده شود.»

اعتراضات عراق، از اوایل اکتبر شروع شده و ۸۰۰۰ زخمی به جای گذاشته است. بیش از ۲۵۰ تن در جریان اعتراضات عراق کشته شده اند. منابع بیمارستانی شمار مجروحان درگیری های روز جمعه سوم آبان در سراسر کشور را نزدیک به هزار و ۸۰۰ نفر ذکر کردند و خالد مهنی، سخنگوی وزیر کشور عراق نیز اعلام کرد که دست کم ۶۸ تن از مأموران پولیس در این درگیری ها مجروح شده اند.

رویداد ۲۴، گزارش داد در نشست محرمانه قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس حکومت اسلامی با مقامات بغداد چه گذشت؟ آیا آتش اعتراضات عراق دامن تهران را خواهد گرفت؟

با وجود حمایت های هم زمان ایران و امریکا از دولت عادل عبدالمهدی و با وجود انتشار تصاویر به آتش کشیده شدن پرچم امریکا و اسرائیل در جریان تظاهرات مردم عراق، برخی رسانه های مغرض دلیل اصلی ادامه کار دولت نخست وزیر عراق را حمایت های ایران و دست داشتن ایران در سرکوب معترضان عراقی عنوان کرده اند.

هفته هاست که منطقه خارومیانه در آتش اعتراضات مردمی می سوزد. معترضان در عراق و لبنان، تظاهرات سراسری ای علیه سیاست مداران شان به راه انداخته اند و در این میان نام ایران با قاسم سلیمانی و حجت الاسلام احمد علم الهدی در صدر اخبار رسانه های غربی و عربی است.

فارن پالسی در گزارشی مدعی شده بسیاری از تظاهرکنندگان عراقی، ایران و نیروهای مورد حمایت ایران را برای به خشونت کشیده شدن تظاهرات شان مقصر می دانند و خواستار از بین رفتن نفوذ ایران در عراقند. آن ها در میدان تحریر مرکز بغداد شعار «ایران باید بیرون برود» سر می دهند و ویدئوهایی که روز جمعه از تظاهرات مردم منتشر شده حاکی از آن است که در برخی نقاط پرچم ایران را آتش زده اند. علی کاظم تظاهر کننده ۱۷ ساله عراقی به فارن پالسی گفته: ایران به ما حمله کرده و ما را نابود کرده است. آن ها پشت پرده وضعیت کنونی اند. ایران کشور عراق را هدایت می کند. فارن پالسی، مدعی شده ایران قدرت اصلی نگه دارنده عادل عبدالمهدی بر سر کار است و تظاهر کنندگان عراقی نیز خواستار دست یابی عراق به منافع شانند. ۶۰ درصد جمعیت ۴۰ میلیونی عراق زیر ۲۵ سال است و وضعیت اقتصادی این نسل را بیکار کرده است. بیکاری در عراق به ۲۵ درصد رسیده و یک پنجم مردم عراق زیر خط فقر زندگی می کنند در حالی که این کشور غنی از نفت است. روز پنج شنبه شایعه برکناری عادل عبدالمهدی در رسانه ها منتشر شد. همان شب برهم صالح رری جمهور عراق در سخنرانی خود اعلام کرد عبدالمهدی قبول کرده استعفا دهد، اما این استعفا یک شرط دارد: پارلمان عراق باید کسی را جایگزین او کند و این در حالی است که رسیدن به توافق برای یک نخست وزیر جدید در عراق با تضاد منافع احزاب می تواند چندین ماه طول بکشد. رسانه های غربی و عربی، به روی کار آمدن عبدالمهدی با ائتلافی که با الحشد الشعبی صورت گرفته بود اشاره کرده اند و مدعی اند مقامات حکومت اسلامی ایران، خواستار بر سر کار ماندن عبدالمهدی اند. عادل عبدالمهدی با ائتلاف دو بلوک بزرگ در پارلمان عراق بر سر کار آمد: ائتلاف سائرون به رهبری مقتدا صدر و ائتلاف فتح به ریاست هادی العامری که فرمانده گردان بدر از نیروهای نظامی مورد حمایت حکومت اسلامی ایران است. روز سه شنبه خبرهایی درباره ائتلاف عامری و صدر برای حذف عادل عبدالمهدی به گوش رسید.

اواخر روز سه شنبه عامری در بیانیه ای اعلام کرد جریان بدر حاضر است برای رسیدن به توافق با صدر همکاری کند، اما روز چهارشنبه قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران سفری به بغداد داشت و با عامری دیدار کرد. رویترز در گزارشی مدعی شد در جریان این سفر از عامری خواسته شده تا به حمایتش از عادل عبدالمهدی ادامه دهد. رویترز مدعی شده یک مقام نزدیک به صدر گفته: بعد از دیدار عامری با سلیمانی، لحن او با صدر تغییر کرده و گفته کناره گیری عادل عبدالمهدی به بی ثباتی و آشوب در عراق دامن می‌زند. صدر هم در جواب به صورت علنی اعلام کرده بدون استعفای عبدالمهدی آشوب بیش تر خواهد شد و این که او حاضر نیست با عامری همکاری کند. صدر در بیانیه ای علنی اعلام کرده از امروز دیگر هرگز وارد ائتلاف با عامری نخواهد شد. رویترز در گزارش خود نوشت: بعد از دو هفته تظاهرات ضد دولتی مردم عراق، ایران قدم هائی برای جلوگیری از استعفای نخست وزیر مورد حمایتش در عراق برداشته است. این رسانه به نقل از ۵ منبع آگاه مدعی شده در نشست محرمانه روز چهارشنبه، قاسم سلیمانی در امور عراق دخالت کرده و از عامری و رهبران شبه نظامی عراقی خواسته تا از عبدالمهدی حمایت کنند. یک مقام ایرانی که نامش برده نشده نیز به رویترز گفته: امنیت عراق برای ایران بسیار مهم است و ایران در گذشته هم به عراق کمک کرده است. فرمانده سپاه قدس ایران به عراق و دیگر کشورهای منطقه به طور معمول سفر می کند به خصوص وقتی از او درخواست کمک شده باشد. رویترز به نقل از مقامات امنیتی عراق بر شایعات و ادعاهای یک ماه اخیر درباره دست داشتن ایران در تیراندازی و هدف قرار دادن تظاهر کنندگان عراقی توسط تک تیراندازهای ناشناس دامن زده و مدعی شده شبه نظامیان مورد حمایت ایران تک تیرانداز هائی را بر پشت بام خانه ها در بغداد مستقر کرده اند که مستقیم تظاهر کنندگان عراقی را مورد هدف قرار می دهند. این رسانه در یادداشتی مغرضانه مدعی شده اگر عراق در این بحران سقوط کند ایران نفوذی را که به واسطه روی کار آمدن شیعیان بعد از سقوط صدام در پی حمله امریکا به عراق کسب کرده از دست خواهد داد. یک فرمانده شیعه نزدیک به عامری نیز در گفتگو با رویترز از توافق بر سر کناره گیری عادل عبدالمهدی و ایجاد اصلاحات برای آرام کردن خیابان های بغداد خبر داده بود. منابع آگاه بی نام و نشان به رویترز گفته اند که بسیاری از فرماندهان الحشد الشعبی نگران تضعیف این نیرو در پی اخراج عبدالمهدی بوده اند.

فارن پالسی در گزارشی مدعی شده قاسم سلیمانی بارها در نشست های محرمانه ای که با مقامات دولت عراق داشته درباره چگونگی مقابله با اعتراضات مردمی در این کشور گفته: ما می دانیم چه طور باید با معترضان برخورد کرد. آیت الله علی سیستانی مرجع تقلید شیعیان عراق، روز گذشته در سخنرانی خود به قدرت های خارجی که سعی می کنند اراده شان را بر دولت عراق اعمال کنند هشدار داده و به نیروهای امنیتی گفته از زور علیه تظاهر کنندگان استفاده نکنند چرا که ممکن است زمینه ساز آغاز جنگ داخلی، آشوب و خرابی کشور باشد.

فرانس ۲۴ فرانسه نیز در گزارشی مدعی شده با توجه به نقش سیاسی مهم عراق و لبنان، بدیهی است که ایران نگران باشد. تهران باید قدرت و نفوذش را در این دو کشور حفظ کند. تقویت تئوری توطئه دست داشتن صهیونیست در جنبش مردم منطقه نشان دهنده ضعف ایران در برابر تحولات اخیر است. در عین حال ایران نگران تسری اعتراضات منطقه به سرزمین های خودش در شرایطی است که مردم از تحریم های امریکا رنج می برند. موضع رسمی وزارت خارجه ایران، اما حمایت از دولت مستقر در عراق و مطالبات برحق مردم این کشور به طور هم زمان بوده است و سیدعباس موسوی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در خصوص تحولات جاری در عراق در کنفرانس خبری هفته گذشته گفت: جمهوری اسلامی ایران از مطالبات و خواسته های مردم عراق که به روشنی در بیانیه ها و اظهارات مرجعیت دینی و هم چنین جناب آقای «دکتر عادل عبدالمهدی»

نخست وزیر عراق مورد تاکید قرار گرفته است، حمایت می کند. سخنگوی وزارت امور خارجه با ابراز تاسف عمیق از وقایع اخیر عراق که منجر به کشته و زخمی شدن ده ها نفر و تخریب اموال عمومی شده و هم چنین مصادره مطالبات مردمی و افزایش خشونت افزود: اطمینان داریم دولت و ملت عراق و مرجعیت می توانند بر مشکلات فایق آمده و با یک پارچگی به آبادانی عراق مبادرت نمایند. هم زمان با این تحولات ویدئویی از یکی از سخنرانی قدیمی علم الهدی امام جمعه مشهد با زیر نویس عربی و انگلیسی در شبکه های اجتماعی دست به دست می شود. علم الهدی در این سخنرانی که در پی حمله موشکی حوثی ها به تاسیسات نفتی عربستان ایراد شده بود می گوید: امروز حشد شعبی عراق، ایران است. حزب الله لبنان، ایران است. جهاد اسلامی فلسطین ایران است. حماس ایران است. اصلا شما نگاه کنید ایران کجاست امروز؟ مگر جنوب لبنان، ایران نیست؟ مگر حزب الله لبنان ایران نیست؟ مگر این پهبادهایی که یمنی ها فرستادند و سعودی ها را به خاک سیاه کشاندند ایران نبود؟ می گویند این پهبادهای از شمال آمده. هم جنوب تان ایران است، هم شمال تان ایران است. اعتراضات سراسری ۹۶ ابتدا در مشهد در اعتراض به گرانی آغاز شد و احمد علم الهدی، امام جمعه مشهد و نماینده، ولی فقیه در خراسان رضوی نیز این اعتراضات را برحق دانسته بود. بعدها که کار بالا گرفت، علم الهدی در نامه ای به شورای عالی امنیت ملی اتهام دست داشتن در اعتراضات ۷ دی در مشهد را رد کرد و گفت اعتراضات نه از مشهد که از تهران آغاز شد.

این اختلاف هنوز بر سر جای خود باقی است. به نظر می رسد اظهارنظرهای تحریک آمیز علم الهدی که یک بار در دی ماه ۹۶ به تظاهرات سراسری مردم ایران منجر شد، این بار به تظاهرات ضد ایرانی مردم منطقه دامن زده است. با این وجود ایران تنها کشوری نیست که دولت مستقر در عراق را حمایت می کند. بسیاری از کشورها از جمله امریکا حمایت علنی خود را از عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق اعلام کرده اند. در حالی که عراقی ها خواستار استعفای نخست وزیرشانند، دونالد ترامپ رئیس جمهور امریکا و چند تن از نمایندگان این کشور از نخست وزیر عراق حمایت کرده اند. یکی از مقامات ارشد وزارت خارجه امریکا به نیوزویک گفته: نخست وزیر و تیمش دولت خوبی دارند که احتمالا می توانیم به آن امیدوار باشیم.

نیوزویک در گزارشی نوشته: بسیاری از نمایندگان امریکائی عادل عبدالمهدی را دوست امریکا می دانند. لیندسی گراهان نماینده جمهوری خواه سنای امریکا درباره عادل عبدالمهدی گفته: من از او خوشم می آید و فکر می کنم در بین کردها و سنی ها جایگاه خوبی دارد. با وجود حمایت های هم زمان ایران و امریکا از دولت عادل عبدالمهدی و با وجود انتشار تصاویر به آتش کشیده شدن پرچم امریکا و اسرائیل در جریان تظاهرات مردم عراق، برخی رسانه ها دلیل اصلی ادامه کار دولت نخست وزیر عراق را حمایت های ایران و دست داشتن ایران در سرکوب معترضان عراقی عنوان کرده اند.

نگرانی از مطرح شدن نام ایران در میان حجم انبوه نارضایتی ها در عراق را می توان در موضع گیری اخیر آیت الله خامنه ای هم دید: آن جا که او ناآرامی های عراق و لبنان را به امریکا و «کشورهای مرتجع منطقه» نسبت داد.

اما این نگرانی ها تمامی ندارد، چند صبحی دیگر دو تیم ملی ایران و عراق در چارچوب بازی های جام جهانی قطر باید در این جو پرتنش در عراق برابر هم قرار بگیرند، مسأله ای که از هم اکنون ذهن مقام های ورزشی ایران را به خود مشغول کرده است.

مقام های حکومت اسلامی، همواره غرب را به تشدید تفکر «ایران هراسی در دنیا» متهم می کردند، اما اکنون در کشورهای منطقه جایی که ایران تلاش دارد تا نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را با همه دشواری ها و محدودیت ها حفظ کند، نوعی ستیز با ایران در ادبیات برخی از شهروندان معترض شکل گرفته است.

مردم معترض در شهر سماوه واقع در استان مثنی در جنوب شرق عراق مقر چند حزب و گروه اسلامی از جمله حزب فضیلت، حزب الدعوه، عصائب اهل الحق و جریان حکمت را به آتش کشیدند. گردان های عصایب اهل حق، از گروه های شبه نظامی شیعه عراق هستند که روابط بسیار نزدیکی با ایران دارند.

بنا بر اعلام پولیس در شهر عماره در جنوب شرق عراق نیز دست کم ۱۸ نفر در تلاش برای حمله به دفاتر محلی شبه نظامیان شیعه زخمی شده اند. در جریان اعتراضات امروز در بغداد یک تن کشته و ۲۲۴ نفر دیگر مصدوم شده اند.

بر اساس اخبار و گزارشات منتشر شده در رسانه های عربی، تعدادی قابل توجهی از زنان عراقی به جمع تظاهر کنندگان در بغداد و دیگر شهرها به خیابان ها آمده اند. به گفته منابع خبری، زنان عراقی همراه با مردان با سردادن شعارهای ضد حکومتی به این تظاهرات پیوستند. العربیه به نقل از منابع حقوق بشری نیز از کشته شدن ۲ تظاهر کننده و زخمی شدن بیش از ۲۲۷ نفر دیگر از معترضین خبر دادند.

سازمان عفو بین الملل با صدور گزارشی، رفتار پولیس عراق در هدف قرار دادن معترضان را، که به صورت مسالمت آمیز تحصن کرده بودند، با سلاح گرم و گاز اشک آور محکوم و اعلام کرد صحنه های وحشتناک و فاجعه باری خلق شده است. به گزارش این سازمان حقوق بشری معتبر بین المللی، ۱۴ نفر در اعتراضات کربلا جان باخته اند. پولیس کربلا این خبر را تکذیب کرده و مدعی است برخوردها در شهر مذهبی کربلا منجر به کشته شدن کسی نشده و فقط افراد زیادی زخمی شده اند. پولیس هم چنین اعلام کرده است فیلم هایی که نشان می دهند معترضان برای فرار از اصابت گلوله روی زمین دراز کشیده اند، مربوط به تجمعات کربلا نیست. اما معترضان ادعای پولیس را رد می کنند. شورای عالی حقوق بشر عراق جان باختن حداقل یک نفر را تأیید کرده است.

آیت الله سیستانی، مهم ترین مرجع شیعه در عراق بار دیگر بر لزوم احقاق حقوق معترضان عراقی تأکید کرد. به گزارش شفقنا، او در بیانیه ای که در خطبه های نماز جمعه کربلا قرائت شد با اشاره به تظاهرات خونین چند روز گذشته، تخریب اموال و درگیری تظاهر کنندگان با نیروهای امنیتی و سایر نیروها خواستار جلوگیری از خونریزی بیش تر و سوق دادن کشور به «هرج و مرج و ویرانی» شد.

سیستانی حمله به تظاهرات مسالمت آمیز را محکوم و بر لزوم مجازات عاملان آن تأکید کرد. در این بیانیه بر ضرورت جلوگیری از ورود «نیروهای مسلح تحت هر عنوانی» برای «برخورد با اعتراضات و تظاهرات مسالمت آمیز به دلیل نگرانی نسبت به کشیده شدن آن به خشونت بیش تر» تأکید شده است.

سازمان شفافیت عراق

سازمان شفافیت عراق از صدور حکم بازداشت برای ۶۰ نماینده و مسؤول دولت کنونی عراق خبر داد که اتهام شان «فساد» و هدر دادن اموال عمومی عنوان شده است.

خبرگزاری فارس به نقل از شبکه خبری «السومریه» نوشت، احکامی نیز علیه یک وزیر، پنج نماینده کنونی پارلمان و دو وزیر سابق صادر شده است.

سازمان شفافیت عراق اعلام کرد، در اکتبر گذشته نیز حکم جلب ۳۸ عضو سابق و کنونی شورای استانداری‌های این کشور را صادر کرده بوده است. هم چنین حکم جلب یک استاندار، یک رئیس شورای استانداری و پنج مدیرکل نیز صادر شده بود.

نقش سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران در کشتار تظاهر کنندگان عراقی

سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران، از تظاهرات در عراق با نگرانی خواستار سرکوب معترضان شد و تک تیراندازان وابسته به گروه های شبه نظامی تحت حمایت ایران، تیراندازی به سوی تظاهر کنندگان را آغاز کردند. خبرگزاری رویترز که به منظور تهیه گزارشی درباره سرکوب تظاهرات اخیر در عراق با شماری از مسؤولان امنیتی، فرماندهان گروه های شبه نظامی و دیگر مقامات سیاسی و دیپلماتیک گفتگو کرده است، یادآوری می کند که فرماندهان سپاه با تاکید بر «تجربه خود در سرکوب شورش های شهری»، با توصیه های خود دولت عراق را برای پایان دادن به طغیان همراهی کردند. به گفته یک مقام امنیتی عراقی، شبه نظامیان از یک سامانه ارتباطات خصوصی استفاده می کردند که ایران در اختیار آنان قرار داده بود و دسترسی به مذاکرات میان آن ها برای مسؤولان امنیتی عراق ممکن نبود.

در دومین روز تظاهراتی که در ابتدای ماه اکتبر برای اعتراض به فساد و بیکاری و فقدان خدمات شهری در بغداد و چند شهر دیگر عراق آغاز شد، به گفته یک دیپلمات مستقر در این کشور، یک گروه از فرماندهان سپاه پاسداران ایران به عراق آمدند و با مقامات امنیتی و اطلاعاتی این کشور دیدار و گفتگو کردند. یک فرمانده ارشد یکی از گروه های شبه نظامی مورد حمایت تهران که به گفته او نفرات زیر فرمان وی در سرکوب تظاهر کنندگان شرکت نداشته اند، به خبرگزاری رویترز می گوید که در دومین روز تظاهرات «مستشاران سپاه برای ایفای نقش در این زمینه پافشاری کرده و خواستار سرکوب تظاهر کنندگان شدند، زیرا به گفته آنان در غیر این صورت پایه های حکومت عادل عبدالمهدی فرو می ریخت.»

منابع امنیتی عراقی به رویترز گفته اند که دولت این کشور برای سرکوب تظاهرات از شبه نظامیان تقاضای کمک نکرده است، بلکه آنان خود داوطلبانه خواستار شرکت در این کار شده اند. دولت عادل عبدالمهدی بر پایه حمایت همین گروه ها و برخی جناح های سیاسی بر پا مانده است.

یکی از مقامات امنیتی عراق می گوید: «ما به روشنی نشان دادیم که تک تیراندازان، نفرات یک گروه شبه نظامی وابسته به ایران بودند و دستورات را مستقیماً از فرمانده خود، و نه از فرمانده کل نیروهای انتظامی عراق، دریافت می کردند.»

یک منبع امنیتی دیگر که هر روز در جلسات بررسی و ارزیابی وضعیت شرکت داشته می گوید «شبه نظامیان سپاه پوش از روز سوم تظاهرات به سوی معترضین تیراندازی کردند. فرماندهی آنان را ابو زینب اللامی، مسؤول امنیت حشد الشعبی، که یک گروه شبه نظامی مورد حمایت ایران است، بر عهده داشت.» به گفته این منبع امنیتی، «فرمانده این گروه از مسؤولان ارشد این سازمان دستور گرفت تظاهرات را خاموش کند.»

در همین حال سخنگوی وزارت کشور عراق، سعد معن، تاکید کرد که «نیروهای دولتی به روی تظاهر کنندگان شلیک نکرده اند و تیراندازان فاسد مسؤول قتل و زخمی کردن معترضان بوده اند.» او روز ۶ اکتبر در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت «دولت دستور انجام تحقیقی را به منظور شناسایی کسانی که دستور تیراندازی داده و آن هایی که به روی مردم تیراندازی کرده اند را صادر کرده است.» نیروهای امنیتی عراق فردای آن روز اعلام

کردند که در رویارویی با تظاهرات «یک نیروی زیاده از حد» به کار گرفته شده است و «افرادی که علیه غیرنظامیان خشونت به خرج داده اند، مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.»

در همین حال، محمد رضا، رئیس کمیته امنیت و دفاع پارلمان عراق، با انتشار بیانیه ای فاش ساخت که تحقیقات اولیه نشان داده است که «برخی اجزاء دست به قتل هدفمند برخی تظاهر کنندگان زده اند.»

گزارش رویترز یادآوری می کند که، در ۳ اکتبر، سومین روز تظاهرات، تک تیراندازان بر بام ساختمان های بغداد مستقر شدند. یک فیلم بردار این خبرگزاری خود یکی از این تیراندازان را با کلاه صورت پوش و لباس سیاه بر بالای یک ساختمان مشرف به میدان تحریر دیده است. او می گوید «یکی از افرادی که از ناحیه سر هدف قرار گرفته بود توسط جمعیت برده شد و فرد دیگری نیز که گلوله بر سر او نشسته بود، به نظر می رسد جان باخت. هنگامی که این فرد شروع به تیراندازی کرد، تظاهر کنندگان پا به فرار گذاشتند.»

یک منبع امنیتی دیگر به رویترز گفته است که «تک تیراندازان مجهز به سامانه ارتباطی ویژه خود بوده اند که توسط ایران در اختیار آنان قرار داده شده بود. این سامانه هم چون یک شبکه خصوصی عمل می کرد و بنابراین شنود مکالمات میان آنان (برای دیگران و از جمله نیروهای انتظامی کشور) مشکل بود.»

تظاهرات در عراق در روز اول اکتبر برای اعتراض به فقدان کار، آب، برق و دیگران خدمات اولیه و نیز فساد گسترده دستگاہ اداری آغاز شد و بشدت سرکوب گردید. در یک هفته تظاهرات حداقل ۱۰۰ تن کشته و بیش از ۶۰۰۰ نفر زخمی شدند.

ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران، در تلاش کشف «پشت پرده های آشوب در عراق»، به «ابهاماتی» اشاره دارد زیرا «تظاهرات و تجمعات» از نظر این خبرگزاری «به طرز مشکوکی به خشونت کشیده شده» است. این خبرگزاری البته نمی گوید «طرز غیرمشکوک» به خشونت کشیده شدن تظاهرات صدها و یا هزارها جوانی که از بیکاری و ناامیدی و بی آیندگی و نبود امنیت به جان آمده اند، چگونه است. این خبرگزاری در همین «تفسیر» خود پس از ابراز حیرت از این که چنین رویدادی در آستانه اربعین رخ داده است تاکید می کند که «عراقی ها از هر چه بگذرند، از اربعین حسینی نخواهند گذشت» و بنابراین می پرسد «حال با این همه حساسیت نسبت به اربعین، چرا بغداد باید به صحنه زد و خوردهای بی سابقه در این مقطع زمانی تبدیل شده باشد؟» این خبرگزاری با اشاره به میدان تحریر که یکی از مهم ترین مراکز گردهمایی های اعتراضی این روزهاست می نویسد «عراقی ها در همین میدان تحریر بارها علیه رهبران سعودی و امارات، به خاطر حمایت های مالی و تسلیحاتی و انسانی از داعش، تظاهرات برگزار کرده اند!»

«فتنه گران در عراق همان سربازان اجاره ای حوادث سال ۸۸ در ایران هستند»

باشگاه خبرنگاران جوان، وابسته به سپاه پاسداران است که خود را «بزرگ ترین خبرگزاری فارسی زبان دنیا» معرفی می کند برای بیان «پیدا و پنهان فتنه عراق» به سراغ «محمد ایمانی تحلیل گر سیاسی» رفته و به قلم وی «در واکنش به فتنه انگیزی های عربستان سعودی، امریکا و رژیم صهیونیستی» بنویسد که «به تدریج معلوم شد این قبیل مشکلات مردم -شرایط اقتصادی، بیکاری و فساد اداری- فقط دستاویز سازمان دهندگان اصلی فتنه و آشوب است.» جالب این جاست که این تحلیل گر سیاسی تظاهر کنندگان امروز عراقی را به معترضان سال ۸۸ در ایران پیوند می زند و می نویسد «فتنه گران در عراق، سربازان اجاره ای همان اردوگاه «غربی - عبری - ارتجاعی» هستند که در حوادث سال ۸۸ شعار «نه غزه نه لبنان» دادند.» او می نویسد «قاطبه ملت عراق، نه ضد اسلام و مرجعیت است و نه ایران را دشمن می دارد» و این چنین به شعارهایی اشاره می کند که به گزارش

رسانه‌ها تظاهر کنندگان عراقی در نفی «دخالته جمهوری اسلامی در امور کشور آنان» و در رد طبقه‌ای از «روحانیون» در دست داشته‌اند.

همین خبرگزاری، سخن «قیس خزعلی»، دبیرکل گردان‌های اهل‌الحق عراق را نیز نقل کرده است که می‌گوید «آن‌چه در تظاهرات دیده شد دلیلی بر وجود دست‌های خبیثی است که می‌خواهند ثبات عراق را بر هم زنند.» خبرگزاری فارس، خبرگزاری دیگر وابسته به سپاه نیز در همین زمینه به سراغ دو تن از کارشناسان رفته است. سیدرضا صدرالحسینی، «کارشناس مسائل غرب آسیا» در تحلیل رویدادهای عراق می‌گوید «امریکائی‌ها با توجه به سرمایه‌گذاری‌های فراوانی که در عرصه‌های مختلف انجام داده‌اند و نتوانسته‌اند بهره‌مورد نظر خود را از این سرمایه‌گذاری‌ها بردارند، به دنبال ایجاد تشنجات و اغتشاشاتی (هستند که بتوانند) بخشی از این سرمایه‌گذاری را برگردانده و با ایجاد ناآرامی، مسائل اصلی عراق را به فراموشی بسپارند!» او می‌گوید «آن‌چه مطرح می‌شود، مطالبات واقعی مردم عراق نبوده و نوعی حرمت‌شکنی و براندازی دولت کنونی از آن به مشام می‌رسد.»

خبرگزاری فارس با علی شجاعی، «کارشناس مسائل منطقه»، نیز گفتگو کرده است. او معتقد است «این ناآرامی‌ها پشتوانه سیاسی در داخل کشور عراق ندارد چرا که جناح‌های سیاسی از این اتفاق حمایت نکرده‌اند.» شاید بد نباشد یادآوری کنیم که تظاهر کنندگان «همین جناح‌های سیاسی» را به فساد متهم می‌کنند و... سردار محمدجعفر اسدی، معاون قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء، نیز «آن‌چه هم اکنون در عراق اتفاق افتاده است» را «ناشی از فتنه‌انگیزی بعضی کشورهای منطقه به خصوص عربستان سعودی» دانست. حسین امیرعبداللهیان، مدیرکل بین‌الملل مجلس شورای اسلامی، هم «دست‌های خبیث خارجی را در صدد بی‌ثبات کردن عراق» دید.

سفر قاسم سلیمانی به عراق برای آموزش مقابله با اعتراضات

آسوشیتدپرس از سفر فرمانده نیروی قدس سپاه به بغداد یک روز پس از شروع اعتراضات در عراق خبر داده است. به گزارش این خبرگزاری به نقل از دو مقام امنیتی عراقی، قاسم سلیمانی گفته «ما در ایران می‌دانیم چه رفتاری با معترضان کنیم.»

خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی که چهارشنبه ۳۰ اکتبر منتشر کرده نوشته است که قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، یک روز پس از آغاز اعتراضات ضد دولتی در عراق با پروازی شبانه خود را به بغداد و سپس با هلیکوپتر به «منطقه سبز» پایتخت رساند. منطقه سبز بغداد محدوده‌ای است که مراکز دولتی و ادارات مهم حکومت و سفارتخانه‌ها و نیروهای نظامی چندملیتی باقی مانده در عراق در آن جا قرار دارند. برای مقامات امنیتی عراق که در جلسه‌ای امنیتی به نمایندگی از عادل‌المهدی، نخست‌وزیر این کشور، شرکت کرده بودند، دیدن سلیمانی غیرمنتظره بود.

دو مقام ارشد امنیتی عراقی که در جلسه دیدار با سلیمانی حضور داشته‌اند و خواسته‌اند نام‌شان فاش شود به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفته‌اند که قاسم سلیمانی با اشاره به نمونه سرکوب اعتراضات در ایران، راه و روش سرکوب اعتراضات را به مقامات امنیتی عراق معرفی کرده است. او گفته است: «ما در ایران می‌دانیم چه رفتاری با معترضان بکنیم. این اتفاق در ایران افتاد و ما توانستیم آن را کنترل کنیم.»

به نوشته آسوشیتدپرس، سفر سلیمانی به عراق که به عنوان طراح دستگاه امنیتی این کشور شناخته شده نشان گر نگرانی ایران از جنبش اعتراضی عراق است که پایتخت و شهرهای مهم شیعی این کشور را فرا گرفته و در آن از جمله خواست جلوگیری از نفوذ و دخالت های ایران در امور داخلی این کشور مطرح شده است.

در هفته اخیر که بار دیگر اعتراضات شدت گرفت مردانی با لباس سیاه و چهره های پوشیده در حالی که سربازان عراقی هم در صحنه حضور داشتند در برابر معترضان قرار گرفتند و به سمت آنان گاز اشک آور پرتاب کردند. ساکنان منطقه گفته اند که نمی دانند این افراد که بوده اند، برخی گمان می کنند که این افراد ایرانی بوده اند.

هشام الهاشمی، تحلیل گر مسائل امنیتی عراق، به آسوشیتدپرس گفت: «ایران از این تظاهرات می ترسد چون این کشور بیش ترین سود را از طریق احزابی که در دولت و پارلمان هستند می برد. ایران مایل نیست این منافع را از دست بدهد. برای همین هم تلاش کرده که از طریق احزابش اعتراضات را به روشی خیلی ایرانی فرو بنشانند.»

شامگاه سه شنبه ۲۹ اکتبر نیز مردانی که لباس سیاه بر تن داشتند و چهره شان را پوشانده بودند به سمت معترضان در کربلا آتش گشودند. دست کم ۱۸ نفر به قتل رسیدند و صدها نفر زخمی شدند. تحلیل گران معتقدند این حمله می تواند به نقطه عطفی در جنبش اعتراضی عراق تبدیل شود. در بغداد معترضان پرچم ایران را سوزاندند. روزهای پیش از آن نیز شعار «ایران برو بیرون» در تظاهرات شنیده می شد.

گزارش سازمان عفو بین الملل از عراق

سازمان عفو بین الملل روز جمعه ۱ نوامبر ۲۰۱۹، در گزارشی تکان دهنده از قتل های «وحشتناک» در عراق خبر داد.

این سازمان در گزارشی مفصل که از شواهد، دلایل و تحقیقات میدانی به دست آمده است، گفته است، تحقیقات نشان می دهد که معترضان عراقی با اسلحه ای بسیار خطرناک و «کشنده» مورد هدف قرار گرفته اند.

نیروهای امنیتی و شبه نظامیانی که در قتل تظاهر کنندگان دست داشتند از گلوله های به ظاهر اشک آور اما کشنده استفاده کردند. آن ها با شلیک گلوله های اشک آور اما کشنده به سوی جمجمه افراد تظاهر کننده آن ها را به قتل می رسانند.

سازمان عفو بین الملل با تاکید بر این که این نوع گلوله ها تاکنون در هیچ جای دنیا مورد استفاده قرار نگرفته است، تاکید کرده که این نوع گلوله برای قتل تظاهر کنندگان مورد استفاده قرار گرفته و با هدف متفرق کردن آن ها.

این نهاد بین المللی گفته است اغلب قربانیان که تاکنون به بیش از ۳۰۰ نفر رسیده اند بوسیله این گلوله ها که به جمجمه آن ها اصابت کرده است کشته شدند. این گلوله ها به طور مستقیم سمت تظاهر کنندگان شلیک شده تا آن ها را بکشند و نه پراکنده کند.

نوع گلوله که به ظاهر گاز اشک آور است اما در واقع کشنده و وارد جمجمه یا جسم انسان می شود. سازمان عفو بین الملل از مقامات عراقی و پولیس و نیروهای این کشور خواسته است بلافاصله شلیک این نوع گلوله های کشنده و بی سابقه علیه معترضان را متوقف کنند. «معترضان با گلوله های شبیه گلوله اشک آور که وارد جمجمه آن ها شده کشته شدند»

طبق تحقیقات عفو بین الملل، این نوع گلوله ها که به صورت بمب های کوچک به سوی تظاهر کنندگان شلیک می شود، تاکنون ده ها نفر را از پای درآورده است.

عفو بین الملل در گزارش خود، به مصاحبه با شاهدان عینی و مدارک و تصاویری که از مراکز پزشکی قانونی از قربانیان گرفته شده استناد کرده است. این سازمان برای بررسی دقیق این گزارش با متخصصان پزشکی در بیمارستان های بغداد نیز مصاحبه کرده و گزارش خود را بر مبنای داده های علمی و مشاهدات عینی تهیه کرده است. در این گزارش، آمده است نیروهای امنیتی عراق از ۲۵ اکتبر از این نوع گلوله ها علیه معترضان استفاده کرده اند.

تیم سازمان عفو بین الملل گفته است شواهد و مدارک ویدئویی از قربانیان و زخمی شدگان در نزدیکی میدان تحریر بغداد را مشاهده کرده است و این دلایل و شواهد را تجزیه و تحلیل کرده است.

کارشناس نظامی انواع قوطی های گاز اشک آور که مانند بمب های کوچک هستند را مشاهده کردند این نوع گلوله های کشنده از بلغارستان و صربستان به عراق آورده شده است.

عفو بین الملل گفته است این نوع اسلحه به ظاهر اشک آور اما هر گلوله آن ده برابر گلوله گاز اشک آور وزن دارد و در اصابت به افراد وارد مجسمه آن ها می شود و بلافاصله به قتل می رسند به خصوص اگر از فاصله نزدیک به افراد شلیک شود.

این نهاد بین المللی، این نوع قتل ها را یک جنایت «هولناک» توصیف کرده و گفته است عدم پاسخ گوئی در مورد قتل های غیر مجاز و مجروح کردن افراد غیرنظامی توسط نیروهای امنیتی یک جرم و جنایت به شمار می رود و عاملان این جنایت ها نمی توانند مصون از مجازات باشند. عفو بین الملل خواستار تحقیقات سریع، بی طرفانه و موثر و هم چنین پیگرد قانونی افراد مسؤل در این قتل ها شده است.

بحران ایران

با مطالعه گزارشات درز شده از مرکز آمار ایران نشان می دهد که شرایط داخلی جامعه ما، به مرحله بسیار خطرناکی رسیده و به نظر می رسد که یک آلترناتیو ریشه ای در جغرافیای سیاسی ایران در شرف وقوع است که احتمالاً نیروی جوان دختر و پسر که بیش از ۵۵ درصد جمعیت بیکاران جامعه ایران را تشکیل می دهند، رهبری این آلترناتیو را به عهده خواهند داشت. جوانان ایرانی به شدت به دنبال آزادی و زندگی شایسته و شرافتمندانه هستند.

در این میان، بحران ها و مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم ایران گسترش چشم گیری داشته که این مسأله در گزارش مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی به وضوح مشاهده و بیش از ۴۰ درصد از خانواده های ایرانی زیر خط فقر زندگی می کنند و نرخ تورم در کشور به بیش از ۷۴ درصد رسیده است. در این راستا، قیمت کالاها و خدمات به دو برابر رسیده و بحران بیکاری بیش از نصف جامعه ایران را پریشان کرده است.

شایان ذکر است که افزایش نرخ جرایم و قاچاق مواد مخدر در جغرافیای سیاسی ایران، بحران بزرگ دیگری ست و چالش های فوق الذکر با رشد منفی اقتصادی ۶ درصد نیز همراه بوده است.

با این وجود، در صورت افزایش نرخ تورم اقتصادی، رقم ۵۵ درصدی زیر خط فقر بودن مردم ایران نیز افزایش خواهد یافت. در این بین، سید ناصر موسوی لاریجانی، عضو کمیته اقتصادی مجلس شورای اسلامی در سخنان اخیر خود گزارش مرکز آمار ایران که افزایش نرخ زیر خط فقر را به دلیل افزایش نرخ تورم و افزایش قیمت کالاها گزارش داده و گفته است که ۴۰ تا ۴۷ درصد مردم ایران زیر خط فقر هستند را تأیید کرده است. البته مرکز آمار ایران و بانک مرکزی که آمارها را اعلام می کنند اغلب از فیلترهای حکومتی می گذرند و تعدیل شده را اعلام

می کنند تا در جامعه شوک به وجود نیاید. در عین حال ما مرکز آمار مستقلی نداریم بنابراین هم آمارها توسط نهادهای دولتی اعلام می شوند و گاهی هم به شدت متناقض و متفاوت هستند.

با مطالعه آن چه که در رسانه های ایران و شبکه های اجتماعی و نگاه عموم مردم ایران به وضعیت کنونی کشور در می یابیم که بحران های کنونی ناشی از سیاست های داخلی و خارجی و هم چنین به دلیل فساد سیستماتیک و گسترش یافته در بخش های دولت و حکومت اسلامی است. علاوه بر آن چه که ذکر شده تحریم های امریکا علیه حکومت اسلامی، مزید بر علت بوده و دقیقا به دلیل سیاست های خارجی حکومت ایران و حضور فعال در عرصه تروریسم، فاجاق و جنگ های «نیابتی» و سوءمدیریت داخلی آن بوده است. این همه، دلایل اصلی بحران های ایران و تنها با سرنگونی حکومت اسلامی برطرف خواهند شد. جالب توجه این جاست که خیزش مردمی دی ماه سال ۱۳۹۶ و در پیشاپیش همه جوانان، که حدود ۱۴۰ شهر بزرگ و کوچک ایران شهر را در بر گرفت و دستگاه های امنیتی را به هراس انداخته بود، نتیجه همین بحران ها و در اعتراض به فقر، گرانی، بیکاری و فساد دولتی بوده است.

با تحلیل آخرین تحولات اقتصادی ایران، به نظر می رسد که این کشور با بحران های عدیده ای رو به رو است که بحران افزایش نرخ فقر و بیکاری که در تاریخ ایران سابقه نداشته، تحریم صنعت و معادن ایران از سوی امریکا و هم چنین فساد دولتی که ۲۰ درصد از صادرات غیرنفتی ایران را به خود اختصاص داده، کاهش شدید منابع مالی دولت به ویژه پس از کاهش صادرات نفتی و غیرنفتی ایران، احتمال اخراج ۷۰۰ هزار کارمند و کارگر صنعت خودرو در ایران که به جمعیت میلیونی بیکار ایران افزوده خواهند شد از جمله بحران هائی است که می توان به آن ها اشاره کرد.

هم چنین، گزارش ها حاکی است اوضاع داخلی ایران بسیار آشفته و هرج و مرج سیستم اقتصادی و مالی ایران را در بر گرفته و فساد مالی و اداری در موسسات کشور بسیار گسترش یافته است. به ویژه، تسهیلات بانکی که همواره در اختیار برخی از افراد با نفوذ و خودی ها و ژن خوب ها قرار می گیرد نیز دوجندان شده است. این افراد با نفوذ برای به دست آوردن تسهیلات بانکی در رقابت هستند تا مبادا دیر شود.

به این ترتیب، امروز کم تر کسی است که تائید نکند جامعه ایران جامعه بیماری است و با بحران های عدیده اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دیپلماسی مواجه است. به همین دلیل، سخن گفتن از نامطلوب بودن کیفیت زندگی و شاخص های رفاه و سلامت و رفاه عمومی جامعه بحث چندان تازه ای نیست. در حال حاضر، راجع به شیوع آسیب های اجتماعی و روند فزاینده آن ها در رسانه ها و سخنرانی های مختلف بحث می شود.

شیوع روزافزون بیکاری، فقر، حاشیه نشینی، اعتیاد، تن فروشی، خشونت علیه زنان، خشونت علیه کودکان، کودک کار و خیابان، نابرابری، احساس ناامنی، نبود سرمایه اجتماعی و ... همه بحث هائی است که ریشه همه آن ها در سیاست های اقتصادی و اجتماعی حکومت اسلامی نهفته است بارها تکرار شده و موضوع جدیدی نیست. یعنی این مسائل به قدری عام شده که انگار بخش جدائی ناپذیری از جامعه ایران است. واقعیت این است که در زندگی روزمره شهروندان جامعه مان هرروز با این پدیده ها سروکار داریم.

آسیب پذیری بالا، یعنی افراد در برابر خطرات و شوک هائی که به آن ها وارد می شود، قادر به مقابله نیستند و بلافاصله در برابر هر شوک یا شرایط جدید، در معرض تهدید و وضعیت نامطلوب تری نسبت به وضعیت قبلی قرار می گیرند. در مقابل آن، دیگر تاب آوری بی معنی می شود و به اصطلاح کارد به استخوان می رسد. پس جامعه ایران بر اساس یک ارزیابی کلی از وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی

جامعه ای است با آسیب پذیری بالا. به این معنا که وضعیت جامعه به جایی رسیده است که قادر نیست خود را بازسازی کند. نمونه روشن آن زلزله اخیر کرمانشاه و سرپل ذهاب است که هنوز بعد از مدت ها وضعیت نابسامانی دارد. ارزیابی روشن این است که جامعه این مناطق تا مدت ها نمی تواند حتی به سطح استانداردهای قبلی برگردد، اگرچه وضعیت قبلی هم نامطلوب بود. جامعه ایران امروز در مواجهه با این شرایط قرار دارد. هر چه قدر جامعه توسعه یافته تر، عادلانه تر و دموکراتیک تر باشد، آسیب پذیری کم تر و تاب آوری بالاتر است.

تعمیق شکاف های مختلف از درآمد گرفته تا شکاف های منطقه ای و تبعیض و تفاوت های که بین استان ها و مناطق مختلف ایران وجود دارد و شکاف در سلامت و آموزش و...، به هیچ وجه در چهارچوب حکومت اسلامی ایران، درمان پیر نیستند و روز به روز هم وضعیت بدتر و وخیم تر می گردد. عامل دیگری که بسیار مهم است تبعیض جنسیتی است که تقریباً در همه سطوح جامعه ایران وجود دارد و این تبعیض جنسیتی در دسترسی به قدرت، سلامت، کار، اشتغال و حقوق عمومی نهادیه شده است. فقر شدید و مطلق آسیب پذیری را بالا می برد و این روند، به خصوص در دهه اخیر، افزایش داشته و جمعیت زیر خط فقر مطلق و شدید افزایش داشته است. عوامل زیست محیطی شامل مصرف گزائی، پل پرستی، نابودی جنگل ها، تخریب مراتع، انتشار گازهای گلخانه ای و آلودگی آب هاست. این ها مجموعه عواملی است که بر اساس آمار و ارقام رسمی و مطالعات نشان داده می شود و روندی را ایجاد کرده که موجب افزایش آسیب پذیری شده است.

یکی از آن ها بی ثباتی بازارهای مالی است که از سال ۲۰۰۸ با بحران مالی در امریکا و اروپا و سپس کل جهان شروع شد. پیش بینی می شد ممکن است این بحران دوباره در سال ۲۰۱۸ برگردد. وضعیت جهان در مقایسه با وضعیت ۱۰ سال پیش به شدت آسیب پذیرتر است و آثار مخرب این شوک جدید و وقوع دوباره بحران بیش تر است.

موسسات اروپاید، از توتال تا رنو، از پژو تا فولکس واگن و بنز، با تسلیم در برابر تحریم هاد امریکا، به تدریج ایران را ترک کردند. ایرباس، حتد بدون آن که منتظر ایجاد سازوکار «اینستکس»، «سازوکار ابزار حمایت از مبادلات بازرگانند» (Instrument for Support of Trade Exchange) بماند، برنامه فروش هواپیماهای خود را تعلیق کرد. «اینستکس» برنامه ای است که توسط لندن، برلن و پاریس برای حمایت از موسسات اروپائی در برابر تحریم های امریکا ایجاد شده است. این موسسات می دانستند که این سازوکار به دردی نخواهد خورد زیرا یک پوسته توخالی است. برای آن که عملکرد این سازوکار به گونه ای دیگر باشد، می بایست اراده ای سیاسی برای رودرروئی با امریکا و دونالد ترمپ وجود می داشت. اروپا با ناتوانی ناظر خروج صنایع خود و پایان گرفتن روابط اقتصادی با ایران شد.

لبنان

قیام کنونی در لبنان صرفاً به خاطر رخ دادهای اخیر اتفاق نیفتاده است. مجموعه ای از رخ دادهای وجود داشت که به انفجار اجتماعی در جامعه لبنان ختم شد.

لبنان از ۱۷ اکتبر صحنه تظاهرات در نقاط مختلف بوده که طی آن تظاهر کنندگان خواستار برکناری نخبگان حاکم برکشور شدند که از دید آن ها متهم به فساد هستند.

در لبنان، نخست‌وزیر، سعد حریری، که از رسوایی اخیر در خصوص دادن هدیه ای ۱۶ میلیون دلاری به یک مدل بیکینی جان سالم به در برده بود، هفته گذشته از اعمال مالیات بر تماس های واتس اپ خبر داد و شورش را به راه انداخت.

ده ها سال نارضایتی از نابرابری، رکود و فساد نهایتا فوران کرد، و پای یک چهارم از جمعیت کشور را به تظاهرات های ضد دولتی سرخوشانه و سردادن شعار «انقلاب!» کشانید.

لبنان با یکی از بالاترین میزان های بدهی عمومی و نرخ های بیکاری در جهان، از فراهم کردن خدمات عمومی پایه ای نظیر برق، آب آشامیدنی سالم یا خدمات اینترنتی قابل اعتماد ناتوان است. تدابیر ریاضتی طبقه متوسط را تضعیف کرده است، در حالی که ثروتمندان که بسیاری از آن ها سیاست مدار هستند و ۱/۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و بخش اعظم درآمدهای ملی کشور را به جیب می زنند، که بخش عمده آن با وجود منتقدان از غارت منابع کشور حاصل می شود.

اخیرا، سعد حریری مالیات برنامه ریزی شده را کنار گذاشت، و بسته اصلاحی شتاب زده ای را برای نجات اقتصاد را کد کشور ارائه و وعده داد که اعتماد عمومی را مجددا به دست می آورد.

سعد الحریری نخست وزیر لبنان در راستای قبول مطالبات تظاهر کنندگان؛ سه شنبه گذشته از سمت خود استعفا داد و میشل عون رئیس جمهوری نیز در هم داستانی کامل با خواسته تظاهر کنندگان در تسریع روند تشکیل کابینه ای مرکب از عناصر با تجربه، مستقل و بیرون از دایره احزاب سنتی، خواهان تشکیل کابینه تازه ای مرکب از وزرای «شایسته و با تجربه» و نه هم سوی با «وابستگی های سیاسی و جلب رضایت رهبران احزاب و جریان های سیاسی» شد. این در حالی است که تظاهر کنندگان طی بیانیه ای در روز جمعه تاکید کردند به تحرک خود تا دست یابی به تمامی خواسته هایشان ادامه خواهند داد و در این راستا خواهان انجام رایزنی های فوری نمایندگان مجلس برای تشکیل کابینه موقت مرکب از عناصر شایسته و کار آمد شدند.

با وجود درگیری های به وجود آمده میان عوامل حزب الله لبنان و مردم معترض در این کشور، شامگاه جمعه ۲۵ اکتبر ۲۰۱۹ مردم بیروت و دیگر شهرهای این کشور به تجمعات اعتراض آمیز خود ادامه داده و خواستار استعفای دولت شدند.

معترضان با تاکید بر این که سخنان حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان و درگیری های پیش آمده میان اعضای حزبش و مردم معترض، آن ها را نمی ترساند، اعلام کردند تا قبل از کناره گیری دولت به خانه هایشان باز نخواهند گشت.

هواداران حزب الله عصر روز جمعه و پس از سخنرانی حس نصرالله از اعتراضات خارج شده، اما تجمعاتی در مناطق تحت سیطره حزب تشکیل داده و در ورودی های میدان های محل تجمعات مردمی در بیروت دست به اغتشاش زدند.

خبرنگار العربیه از بیروت گزارش کرد که تعدادی از هواداران حزب الله به میان معترضان نفوذ کرده و شعارهایی در حمایت از نصرالله سر دادند و این موضوع موجب بروز درگیری هایی میان آن ها و معترضان در میدان ریاض الصلح بیروت شد.

پس از آن نیروهای ضد شورش برای متفرق کردن درگیری ها وارد عمل شده و ورودی های میدان شهدای بیروت را نیز بستند.

حسن نصرالله رهبر حزب الله در سخنان روز یکم نوامبر، بار دیگر ضمن متهم کردن تظاهر کنندگان معترض لبنانی به دریافت پول از کشورهای خارجی، یکی از جهات سیاسی را نیز به سوار شدن بر موج این جنبش مردمی به هدف ایجاد انقلاب سیاسی متهم کرد.

او در خصوص تعدی اعمال شده از سوی طرفداران حزب الله به تظاهر کنندگان در مرکز بیروت در سه شنبه شب گذشته گفت: «واکنش های بسیار محدودی بروز کرد. بسیاری از نیروهای سیاسی در جهت در دست گرفتن کنترل این تظاهرات تلاش کردند و اگر ما مردم را به حال خودشان می گذاشتیم آن گاه می دیدید که چه اتفاقی ممکن بود روی بدهد. او افزود: «من تهدید نمی کنم بلکه صرفاً واقعیت بیرونی را توصیف می کنم.»

رهبر حزب الله در انتقاد از اکثر کانال های تلویزیونی داخلی که مبادرت به پخش زنده نظرات و شعارهای تظاهر کنندگان کردند، گفت: «کسانی که خواهان ادامه تظاهرات هستند، از این حق برخوردارند ولی باید از فحاشی در اعتراضات و تریبون های خود ممانعت کنند و رسانه ها هم نباید این گونه فحاشی ها را پوشش دهند.»

مرکز بیروت چند روز قبل شاهد حمله ای از سوی گروهی از طرفداران حزب الله و جنبش امل، تعرض آن ها به برخی از تظاهر کنندگان و هم چنین شکستن و به آتش کشیدن تعدادی از چادرهای صحرائی معترضین لبنانی در میدان های ریاض الصلح و شهداء بود.

نصرالله در ادامه افزود: «ما در راستای ممانعت از به آشوب کشاندن کشور کوشیدیم، به ویژه که برخی از گروه ها کوشیدند تا با سوار شدن بر موج این اعتراضات خیابانی، خواستار سقوط نهادهای دولتی و ایجاد خلاء شوند، بدون این که گزینه ای برای پر کردن این خلاء داشته باشند.»

او در ادامه با تاکید بر این که حزب اش «مسئولانه رفتار کرده» عنوان کرد که حزب الله مسئولیت مقابله با فروپاشی کشور و ممانعت از ورود آن به «خلاء قدرت» را بر گردن گرفته است.

نصرالله در مورد استعفای دولت گفت: «ظرف چند سال گذشته پاره ای از اطراف نسبت به معرفی کابینه های متوالی از جمله کابینه حریری به عنوان کابینه های حزب الله، اصرار ورزیدند در حالی که واقعیت این گونه نبود و ما در کابینه حریری هم صاحب قدرت نبودیم اما در عین حال ما نگران توان مقاومت و محور آن نیستیم (محور ایران).»

رهبر حزب الله لبنان افزود: «هیچ کس (در اثر این تظاهرات) بر خود نلرزد و حزب الله مبادرت به استفاده از اهرم ها و برگ های برنده خود نکرد، لذا در ارزیابی اوضاع دچار اشتباه نشوید.»

نصرالله تاکید کرد که حزب اش «حتی اگر کشور فلج شده و دولت قادر به پرداخت حقوق کارمندان نباشد، توان پرداخت حقوق اعضای خود را دارد.»

لبنان کشوری با درآمد متوسط است و استثمار طبقاتی در این کشور، بسیار بالاست. یک درصد ثروت مندترین در لبنان مالکیت ۵۱ درصد سپرده های بانکی را دارد.

فقر ۳۵ درصدی، مهاجرت بسیار بالاتری وجود دارد. تقریباً یک چهارم مردم لبنان در خارج لبنان هستند. از این رو، آن ها برای در آوردن پول و ارسال آن به خانواده هایشان به اروپا، کانادا، استرالیا، عربستان سعودی مهاجرت می کنند. در هر خانواده، به طور متوسط یک مهاجر وجود دارد.

دوسال قبل دولت لبنان وام های بیش تری خواست. اما بانک ها تمایلی به دادن وام های بیشتر نداشتند، بازپرداخت آن برای دولت دشوار شد. از این رو، آن ها کنفرانسی بین المللی، کنفرانس سدر، را با شرکت بانک های لبنان، صندوق بین المللی پول، برخی دولت های اروپائی و برخی دولت های عربی در پاریس سازمان دادند. کنفرانس

برای گرفتن وام های بیش تر سازمان داده شده بود و وام دهندگان گفتند: ما برای ارائه وام ۱۲ میلیاردی و ۵ ساله در شرایطی که کسری بودجه را به نصف کاهش دهید آماده ایم. و برای انجام این کار باید روی سوخت، برق، ارتباطات مالیات ببندید تا هزینه های خدمات عمومی را پائین تر بیاورد. پس از آن دولت اجرای این شرایط را برای گرفتن پول از کنفرانس آغاز کرد.

سال گذشته، در بودجه ۲۰۱۹، آن ها برای اعمال برخی از این مالیات ها تلاش کردند. اما احزاب و اتحادیه های کارگری تظاهراتی را علیه آن سازمان دادند. شرکت در تظاهرات بیروت ۱۰-۱۵ هزار نفر بود و کارمندان دولت نیز اعتصاب هائی را انجام دادند. در پایان، دولت نتوانست برخی مالیات ها را، جز تعدادی اندک اعمال کند. از این رو، آن ها خشم مردم را خنثی کردند.

مردم ناامید و عصبانی شدند، بدون هیچ امید دیگری بدون هیچ اعتمادی، و باز هم در رنج، از این رو فراخوان «بیانید اعتراض کنیم، مالیات ها را رد کنیم» را آغاز کردند.

در جنوب یک میلیشیای فرقه ای است. جنوب پایگاه حزب الله و امل است. امل نیروئی است که مردم را سرکوب کرد. اما، این سرکوب سبب خشم بیش تر شد و مردم وقتی که با میلیشیا ها مواجه شدند مرعوب نشدند. آن ها نترسیدند و خیابان ها را ترک نکردند.

ویدیوهای بسیاری از تظاهرات ها وجود دارد که مردم به نظامیان می گویند: «باید شرم کنید، اگر می خواهید به ما شلیک کنید، ما نخواهیم رفت.» آن ها به مردم حمله کردند، نه با شلیک گلوله، بلکه با زدن آن ها به نحوی که مردم پراکنده شدند. روزهای بعد مردم دوباره آمدند و در جنوب بزرگراه را بند آوردند و از هر حرکتی در جنوب جلوگیری کردند. بعد میلیشیا ها با اتوموبیل ها آمدند، سلاح های خود را بلند کردند و هر کسی را که کلمه ای علیه رئیس مجلس که (رهبر) حزب سوم، امل است، بگوید تهدید به مرگ کردند.

اما باز مردم بیش تری آمدند و آن ها وادار به ترک محل شدند. چند ساعت بعد، نزدیک ظهر، سخنگوی مجلس بیانیه ای صادر کرد. او اعتراض کننده ها را به «اقدام های فردی» دعوت کرد، آن ها را محکوم کرد و از مردم خواست خیابان ها را ترک کنند. اما وقتی این بیانیه منتشر شد، افراد بیش تری به خیابان ها هجوم آوردند، ده ها هزار نفر در جنوب در خیابان ها بودند. مردم مناطق دیگر که آن چه را رخ می داد از طریق شبکه های اجتماعی می بینند و شاهد بودند که چگونه مردم در جنوب توانستند با میلیشیاها مقابله کنند. مردم سراسر لبنان انگیزه پیدا کردند. حدود ۵۰ هزار نفر در بیروت تجمع کردند.

نصراالله دبیر کل حزب الله دیروز در تلویزیون سخنرانی کرد. او وعده لغو مالیات ها را داد. اما گات دولت باید باقی بماند، در غیر این صورت دچار هرج و مرج خواهیم شد. مردم از این سخنان ناامید شدند، حتی پایگاه او هم راضی نبود. رویکرد او این بود که «ما می خواهیم دولت را حفظ کنیم، ما می خواهیم رئیس جمهور را حفظ کنیم»، بود. این امر مردم را عصبانی کرد و سبب شد مردم بیش تری، حتی افرادی از حزب الله به اعتراضات بپیوندند.

این بار تمام خیابان های تمام بیروت پر شد، برآورد متوسط می گوید ۳۰۰ هزار نفر در بیرون بودند. حداقل ۱۰۰ هزار نفر شرکت کننده در سراسر کشور در جنوب و در شمال برآورده شده است. اکثریت مردم لبنان حمایت کردند.

یمن

در یمن، وضعیت انسانی فاجعه بار است. چهارده میلیون یمنی در آستانه گرسنگی و قحطی قرار دارند.

سازمان های غیردولتی یمنی و بین المللی طی بیانیه ای ضمن هشدار نسبت به این که ۱۴ میلیون انسان در یمن در معرض گرسنگی و قحطی قرار دارند، خواستار توقف جنگ در این کشور شدند.

اسپوتنیک به نقل سانا، طبق این بیانیه، فدراسیون بین المللی حقوق بشر، سازمان غیردولتی اقدام علیه گرسنگی، سازمان بین المللی «کر»، آکسفام، دکتران بین المللی و سازمان های یمنی این درخواست را امضاء کردند.

در این بیانیه، هم چنین آمده است: ۱۴ میلیون زن، مرد و کودک در یمن در آستانه گرسنگی قرار دارند و اکنون اتخاذ اقدام فوری در این زمینه بیش از هر زمان دیگری لازم است.

این سازمان ها، هم چنین خواستار تضمین توقف فوری جنگ علیه یمن شدند.

این سازمان ها، هم چنین اعلام کردند: ما از دولت ها می خواهیم تلاش شان را برای تضمین ورود مواد ضروری بدون هیچ مانعی چند برابر کنند.

هم چنین سازمان برنامه جهانی غذا نسبت به وضعیت فاجعه بار انسانی در یمن هشدار داد و اعلام کرد که یمن از بدترین بحران انسانی در جهان رنج می برد.

سخنگوی برنامه جهانی غذا اعلام کرد: ما با مشکل عدم دسترسی به انبارهای گندم در الحیدیه مواجه هستیم و اگر نتوانیم به این انبارها دسترسی بیابیم، نمی توانیم هیچ کاری انجام دهیم. او در ادامه افزود: این بدترین بحران انسانی و غذائی در جهان است و باید در این زمینه اقدامی صورت گیرد.

حدود ۲۵ میلیون یمنی، تحت بمباران های نیروهای هوایی ائتلاف به رهبری عربستان سعودی و درگیری های بین گروه های افراطی مختلف به ویژه حوثی ها، در برابر گرسنگی، مرض و نگرانی متداوم از مرگ، دست و پنجه نرم می کنند.

بر اساس گزارش سازمان ملل متحد، شیوع بیماری تب لرزه شدید در میان مردمان شهر ساحلی جنگزده عدن یمن افزایش یافته و بیش از ۳ هزار نفر به این بیماری مبتلا شده اند.

از سوی دیگر، درجه حرارت بالاتر از ۴۰ درجه سانتی گراد نیز به افزایش و شیوع این بیماری کمک کرده است.

سازمان ملل متحد هم چنان می گوید، حدود سه هزار نفر در جنگ های یمن کشته و ۱۶ هزار دیگر زخمی شده اند، بیش از یک میلیون نفر خانه های شان را ترک کرده اند و نصف از نفوس کشور به مواد غذائی دسترسی ندارند.

عربستان سعودی، به خاطر جلوگیری از انتقال هر نوع سلاح به گروه حوثی ها تصمیم گرفت تا نزدیک به همه واردات به یمن را متوقف و تدارکات مواد غذائی و سوخت و ادویه را کاهش داده است.

جستین گرینینگ مسئول اداره انکشاف بین المللی بریتانیا در این هفته گفت:

«یمن به واردات ۹۰ درصد مواد غذائی وابسته بوده و زمانی که مواد غذائی وارد این کشور هم می شوند، بخاطر جنگ در برخی از ساحات به مستحقان توزیع نمی گردند.»

مسئول اداره انکشاف بین المللی بریتانیا اضافه کرد، در حالی که هزاران نفر در درگیری ها و جنگ یمن جان های شان را از دست دادند، میلیون های نفر دیگر تا پایان امسال به خطر قحطی مواجه خواهند شد.

رد واقع مردم یمن بین دو رقیب بزرگ خارومیانه، یعنی حکومت اسلامی ایران و حکومت اسلامی عربستان گیر کرده اند. شبه نظامیان حوثی هم چنان سرگرم الگوبرداری از حکومت اسلامی ایران هستند و از حمایت های همه جانبه حکومت اسلامی ایران برخوردارند.



کودکان یمنی، از آغاز جنگ حوثی ها، هم چنان نه تنها از آموزش محروم مانده اند، بلکه و بنا به گزارش های مکرر سازمان های حقوقی بشری هزاران تن از آن ها از سوی شبه نظامیان حوثی به سربازی گرفته شده و به جبهه های جنگ اعزام شده اند و این در حالی است که خانواده های این کودکان از هیچ گونه حقی برای اعتراض برخوردار نیستند.

در مقابل اگر خانواده های یمنی از اعزام کودکان شان به جبهه های جنگ حوثی ممانعت کنند چاره ای جز تلاش برای فرار، آوارگی و عبور از میادین مینی که شبه نظامیان حوثی در همه جا کار گذاشته اند، ندارند. این خانواده ها در صورتی که موفق شوند خود را به اردوگاه های آوارگان یمنی برسانند در این حالت در اردوگاه ها بنا به داده های سازمان ملل متحد، نزدیک به ۵ میلیون یمنی خواهند پیوست که از دوزخ یمن فرار کرده اند.

سوریه

به محض آن که دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا فرمان بازگشت نیروهای امریکائی حاضر در شمال سوریه را داد عملا چراغ سبزی بود به رئیس جمهوری جنگ طلب ترکیه؛ تا بلافاصله حمله به روژآوا را صادر کند. با حملات هوایی و زمینی ارتش فاشیست و اشغالگر ترکیه به همراه گروه های تروریستی اسلامی که دولت ترکیه از آن ها حمایت می کند به شهرها و روستاهای شمال سوریه، آغاز شد که در طول چند روز صدها انسان کشته و یا زخمی شدند و حدود ۳۰۰ هزار نفر از خانه هایشان رانده شدند و آواره کوه و دشت گردید.

رجب طیب اردوخان برای عقب نشینی احتمالی نیروهای خود، با توجیه این موضوع که سیستم خودگردان کردها در شمال سوریه هرگز توسط کشورهای منطقه و جامعه بین المللی به رسمیت شناخته نشده، ترکیه اقدام به از بین بردن نهادهای دموکراتیک آن خواهد کرد. تلاش دیگر دولت ترکیه این است که که نیروهای جایگزین ارتش رسمی سوریه، یعنی ارتش جدیدی که ترکیه با نام «ارتش ملی سوریه» در حال تشکیل دادن آن است، به رسمیت شناخته شود. سرانجام، اردوخان که موفق به سرنگونی بشار اسد نشده، عملا تلاش می کنند که سوریه را تجزیه کند.

اردوخان رویای چند صد ساله عثمانی ها در مورد گسترش قلمرو، چنان که آتاتورک در سال ۱۹۳۸ با بازپس گیری اسکندریه (هاتای کنونی) انجام داد، را تحقق می بخشد. در واقع تلاش اخیر اردوخان در نسل کشی مردم کرد، یادآور نسل کشی ارمنی ها در اواخر امپراطوری عثمانی است.

ترکیه از گروه های مسلح تروریستی که اغلب آن ها گرایش مذهبی دارند از تهاجم ترکیه به روژآوا و سوریه حمایت می کنند، شورشینانی «میان رو» نیستند و برعکس اکثر آن ها جهادگرند. بیش از ۵۰ سازمان (از جمله ترکمن هائی اند که همه نیز جنگ طلب هستند اما قدرتمندترین آن ها از نظر ایدئولوژیک و عملیاتی سازمان های

اسلامی مانند «القاعده»، «فتح الشام» جبهه النصره سابق در سال ۲۰۱۶ نام خود را به جبهه فتح الشام تغییر داد «سازمان حکومت اسلامی» (داعش)، «حیات تحریر الشام» و... هستند. آن‌ها اکنون در کنار ارتش ترکیه علیه نیروهای مدافع خلق روژآوا قرار دارند. «ارتش ملی سوریه» که توسط ترکیه ایجاد شده و گرایش اسلامی دارد نیز از این جمله است.

جنگ بی پایان حکومت ترکیه علیه مردم کرد

در آخرین تحولات رونده به سوی جنگی دیگر در سوریه، غروب سه شنبه ۱۶ مهر - ۸ اکتبر ارتش ترکیه به منظور آغاز عملیات نظامی خود در شمال سوریه، روستاها و مناطق ترکیه ای مقابل شهر «تل ابیض» را تخلیه کرد.

هم چنین پارلمان ترکیه، شامگاه سه شنبه، مدت لایحه اعطای مجوز به رئیس جمهوری برای صدور فرمان عملیات نظامی در خارج از مرزهای خود را به مدت یک سال تا ۳۰ اکتبر سال ۲۰۲۰ تمدید کرد.

دولت و ارتش فاشیست ترکیه، از مدت‌ها پیش خواستار ایجاد «منطقه امن» در شمال سوریه شده بود. دولت این کشور قصد دارد با ایجاد این منطقه حائل یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ) را از مرزهای خود دور نگه دارد.

این نیروهای کرد از سال ۲۰۱۲ شمال سوریه را تحت کنترل خود دارند. ترکیه ی.پ.گ را یک «سازمان تروریستی» و وابسته به حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) می‌داند که سال‌ها با دولت ترکیه در جنگ بوده است در حالی که حکومت و ارتش ترکیه، گرایش فاشیست دارند و اردوخان با تفکر نوع‌ثمنی‌گری و مذهبی، همواره طالب جنگ و سرکوب و خشونت بوده است. ارگ قرار باشد فاشیسم را در این منطقه بشناسیم این نه یگانه‌های مدافع خلق روژآوا و نه حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، بلکه دقیقاً حکومت و ارتش ترکیه است.

هدف دیگر ترکیه، ظاهراً اسکان بخشی از پناهنجویان سوری در این منطقه به اصطلاح «امن» است. در واقع ترکیه بر سر پناهنندگان با اتحادیه اروپا معامله کرده است و اکنون می‌خواهد در تحولات منطقه از این انسان‌های رنج‌کشیده به عنوان ابزار سیاسی - نظامی خود، استفاده کند.

آنگارای اعلام کرده است که ۱۴۰ روستا و ۱۰ شهر برای اسکان یک میلیون نفر (تا دو میلیون نفر) از پناهنجویان سوری ساکن ترکیه ساخته خواهد شد. اردوخان اروپا را تهدید کرده که در صورت عدم حمایت از طرح ایجاد «منطقه امن» مرزهای خود برای عبور مهاجران به اروپا را باز خواهد کرد.

منطقه شمال شرق سوریه، به لحاظ وسعت پنج برابر وسعت کشور لبنان است و ۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک با ترکیه دارد. ۸۰ درصد منابع طبیعی سوریه به طور عمده شامل نفت، گاز، آب و گندم در این منطقه واقع شده. جمعیت این منطقه ساکنان منطقه خودگردان شمال شرقی سوریه حدود پنج میلیون نفر است. دستگاه اداری منطقه خودگردان حدود ۶۰ هزار نیروی دموکراتیک سوریه، ۳۰ هزار افسر پولیس، و ۱۴۰ هزار کارمند را در خدمت دارد.

دو حزب اپوزیسیون اصلی ترکیه، اقدام دولت برای عملیات فرامرزی یک جانبه علیه نیروهای کرد در شمال سوریه را محکوم کردند. معاون حزب جمهوری خواهان خلق ترکیه گفته بود که «هدف اصلی برای امنیت سوریه پایان دادن فوری به جنگ و ایجاد صلح است.» حزب جمهوری خواه خلق با ارائه یک برنامه ۲۵ ماده ای برای سوریه در یک کنفرانس مطبوعاتی هشدار داد که ترکیه ممکن است در صورت اقدام نظامی یک جانبه، دچار جنگی بی پایان شود.

حزب دموکراتیک خلق ها نیز اعلام کرده بود که عملیات ترکیه «بدترین تهدید و اشتباه ترین گام» است و تاکید کرده که سوریه نیاز دارد از این جنگ طولانی خلاصی یابد. این حزب در بیانیه خود، اقدام احتمالی ارتش ترکیه را در جهت تغییر جمعیتی منطقه کردنشین شمال شرقی سوریه دانست.

با وجود این مخالفت ها پارلمان ترکیه مجوز عملیات فرامرزی از سوی ارتش این کشور را شامگاه سه شنبه به مدت یک سال تمدید کرد و اردغان نیز دسترو حمله به روژاوا را صادر کرد.

دونالد ترمپ، رئیس جمهوری امریکا در توییتهایی گفت که زمان خارج شدن از این «جنگ مضحک» فرا رسیده است. عملا برای حمله ترکیه به این منطقه چراغ سبز نشان داد. او ترکیه به «تحریم فلج کننده اقتصادی» تهدید کرد اما پس از حمله تحریم های خود را از روی ترکیه برداشت.

این بار اردغان به بارگاه پوتین در روسیه شتافت و با توافق او ارتش سوریه خود را بهرمزهای ترکیه رساند و نیروهای مدافع خلق را وادار کردند ۳۰ کیلومتر از مرزهای ترکیه عقب نشینی کند.

مظلوم کوبانی، از فرماندهان نیروهای سوریه دموکراتیک بهار امسال گفته بود که یگان های مدافع خلق کرد پیشنهاد داده اند که نیروهای نظامی خود را پنج کیلومتر از منطقه مرزی (به استثنای شهرهای پرجمعیت نظیر قامشلی) عقب برانند.

اما با این وجود به روژاوا حمله کرد و با حملات هوایی و زمینی و حتی از بمب های ممنوعه فسفوری علیه مردم روژاوا در شهر سریکانی استفاده کرد. ارتش ترکیه و گروه هائی ترویستی که آنکارا از آن ها حمایت می کند صدها انسان را کشتند و یا زخمی کردند و حدود ۳۰۰ هزار انسان این منطقه را نیز آواره کردند.

اکنون وضعیت در منطقه به حدی بحرانی و پیچیده شده است که اکنون نمی توان پایانی برای این جنگ هشت ساله خانماتسوز سوریه متصور شد!

روسیه

در تاریخ ۱۴ و ۱۵ اکتبر، ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه برای دیدار های رسمی به پادشاهی عربستان سعودی و امارات متحده عربی سفر کرد.

ولادیمیر ساژین خاورشناس و تفسیرگر آژانس اسپوتنیک در این رابطه چنین می نویسد: از رهبر روسیه در ریاض و ابوظبی با بوق و کرنای شرقی استقبال شد که نه تنها آداب و رسوم عربی، بلکه احترام عمیق به میهمان عالی مقام روس را بازتاب می دهد. در مذاکرات دو کشور، روابط دوجانبه و مشکلات منطقه خاور میانه مورد بحث قرار گرفت.

پوتین در عربستان، بیش از ۲۰ سند در زمینه های مختلف امضاء کرده است، از جمله منشور همکاری دراز مدت کشورهای تولیدکننده نفت. «وزن» آن ها تقریباً ۲ میلیارد دلار است. در امارات دو طرف روسی و عربی معاملاتی در رشته انرژی، پتروشیمی، حمل و نقل، دارو و سایر رشته ها به مبلغ ۱/۴ میلیارد دلار منعقد کردند. سران روسیه، عربستان و امارات متحده عربی موافقت کردند که شرایط مطلوب را برای اجرای پروژه های مشترک تجاری ایجاد کنند.

مهم ترین موضوعهای مذاکرات، مسایل امنیت در خاورمیانه بود. لازم به یادآوری است که این سفر دوم رئیس جمهور روسیه به عربستان از سال ۲۰۰۷ بود. در طول ۱۲ سال گذشته، خاورمیانه به طرز چشم گیری تغییر کرده است. این منطقه تکان های «بهار عربی» که ساختار قدرت را در بسیاری از کشورهای منطقه تغییر داده و

جنگ داخلی در سوریه که یک چالش جهانی شد را تجربه کرد. درگیری در تنگه هرمز و خلیج فارس و مسأله هسته ای ایران موضوعاتی هستند که هر دو تحولات منطقه مطرح هستند. این مشکلات، حکومت اسلامی را در مرکز سیاست های جهانی قرار داده و انگیزه های نارضایتی بسیاری از قدرت های منطقه ای و سایر کشورها را به دور آن متمرکز کرده است.

البته مسکو، ریاض و ابوظبی در مورد همه این مشکلات بی شمار، وحدت مطلق نظر را نداشتند. با این حال، یک سیاست متعادل مسکو در خاورمیانه بر اساس تکیه بر قدرت نیست، بلکه براساس اصل درک منافع شرکا است. همه این ها شرکا را به گفتگو با مسکو سوق می دهد.

بدون شک سیاست خاورمیانه ای حکومت اسلامی ایران، یکی از موضوع های اصلی مذاکرات پوتین با عربستان بوده است.

در همین زمان، رئیس جمهور روسیه در مورد لزوم میانجی گری بین ایران و عربستان سعودی برای حل مشکلات موجود ابراز تردید کرد. او گفت: «نقش واسطه گر بسیار سپاس گزار نیست. من فکر می کنم که شرکای ما نه در ایران و نه در عربستان سعودی نیازی به وساطت ندارند.»

پوتین در مصاحبه با روزنامه نگاران عربی خاطرنشان کرد: تضادها بین ایران و اسرائیل، ایران و آمریکا وجود دارد که باید آن ها را با یافتن راه حل با برطرف کرد.» البته گفتگوها بین سران فدراسیون روسیه، عربستان و امارات در مورد مسائل ایران، در راستای مصاحبه اخیر پوتین با رسانه های کشورهای عرب صورت گرفت.



مسئله سوریه مسأله مهمی در گفتگوهای سران روسیه و دو کشور عرب بود و موضع مسکو همواره با دیدگاه ریاض و ابوظبی کاملاً مطابقت ندارد. بر هیچ کس پوشیده نیست که برای عربستان و سایر کشورهای عرب و اسرائیل، یک مشکل اصلی، حضور نظامی ایران در سوریه است. احتمالاً این هم یکی از موضوع های گفتگو بین پوتین و مقامات عربستان با او بوده است. در همین زمان در ریاض، بیانیه اخیر پوتین در باره لزوم خروج تمام نیروهای خارجی از سوریه را مثبت ارزیابی کردند. پوتین در بیانیه یاد شده اظهار داشت که این امر در مورد همه کشورها صدق می کند. رئیس جمهوری روسیه خاطرنشان کرد که او بارها در مورد این موضوع «هم با شرکای ایرانی و هم با ترک ها» و هم چنین با امریکائی ها بحث کرده است.

پوتین افزود: هر گاه سوریه درباره بدرد نخور بودن حضور روسیه در خاک سوریه اعلام کند، روسیه نیز این کشور را ترک خواهد کرد. در هر دو ریاض و ابوظبی، ولادیمیر پوتین سعی داشت تا مقامات عرب را متقاعد کند که شرکت آن ها در بازسازی سوریه ویران شده در جریان جنگ لازم و ضروری است. مسکو هم چنین به عادی سازی کامل روابط عربستان - سوریه - امارات - و هم چنین احیای عضویت دمشق در جامعه کشورهای عرب علاقه مند است.

در جریان دیدار ولادیمیر پوتین، نکات غیر منتظره در مذاکرات، توسط رئیس جمهور ترکیه اردوخان وارد شد که عملیات نظامی «چشمه صلح» را در شمال شرقی سوریه علیه کردهای سوری آغاز کرد. شاید کرملین از حمله ترکیه به سوریه نگران شده و بیم آن دارد که این امر ممکن است. هم چنین ممکن است نقش روند سه جانبه آستانه (روسیه، ایران، ترکیه) کم ارزش شود. برای گفتگو با رئیس جمهور روسیه در مورد عملیات نظامی ترکیه در سوریه، اردوخان ۲۲ اکتبر به سوچی رفت و احتمالا تعهداتی نیز به پوتین داده است. در مورد خلیج فارس باید گفت که روسیه اخیرا نظریه امنیت جمعی را در حوزه خلیج فارس مطرح کرده است که هدف آن کاهش خطر جنگ در منطقه است. این ابتکار توسط پوتین در ریاض و ابوظبی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. شکی نیست که حکومت روسیه، در تحولات منطقه به دنبال منافع سرمایه داری خود با رقابیش است و هرگز دلش برای مردم سوریه و غیره نمی سوزد.

در پایان، ضمن جمع بندی نتایج سفر پوتین به عربستان سعودی و امارات متحده عربی، یکی از کانال های تلویزیونی برجسته امریکا، یعنی سی.ان.ان اشاره کنم که این دیدارها در ریاض و ابوظبی را پیروزی پوتین خوانده بود. به گفته سی.ان.ان، این سفر به یک کودتای دیپلماتیک تبدیل شده و رئیس جمهور پوتین را در مرکز ژئوپلیتیک منطقه قرار داد. این تلویزیون، روسیه را «ابرقدرت نو ظهور خاورمیانه» نامید.

مصر

به گزارش الجزیره، جمعه ۵ مهر - ۲۷ سپتامبر، مردم معترض در منطقه الوراق واقع در استان الجیزه در شرق مصر به خیابان ها آمدند و خواهان برکناری عبدالفتاح السیسی، رئیس جمهوری مصر شدند. آن ها هم چنین شعارهایی علیه شرایط دشوار زندگی و گسترش فساد سر دادند. گزارش هایی از تظاهرات مشابه در شهرهای الاقصر و فنا نیز منتشر شده است. هم زمان در اسکندریه در شمال مصر طرفداران السیسی نیز دست به تظاهرات زدند. در برخی خیابان های قاهره از جمله بزرگراه النصر نیز طرفداران السیسی دست به تظاهرات زدند.

در قاهره نیروهای امنیتی مسیرهای منتهی به میدان التحرير را مسدود کرده بودند. التحرير مرکز تظاهرات ضدحکومتی در سال ۲۰۱۱ بود که به سرنگونی حکومت حسنی مبارک منجر شد.

حضور نیروهای امنیتی در اطراف میدان التحرير بسیار گسترده بود. مأموران در برخی از چهارراه ها و مرکز قاهره نیز تجمع کرده بودند. برخی از سالن های مترو نیز بسته شده بودند.

در روز ۲۰ سپتامبر، هزاران مصری در قاهره و چند شهر دیگر به خیابان ها آمده و خواستار عزل دیکتاتور نظامی کشور، عبدالفتاح سیسی، شدند. در زمانه ای که حداقل شصت هزار زندانی سیاسی در گوشه زندان ها محبوس اند، و احزاب سیاسی، اگر نگوئیم نابود، مهار شده اند، در دورانی که آزادی های مدنی تماما سرکوب شده، و شکنجه سکه رایج است، احتمال وقوع چنین تظاهراتی بعید به نظر می رسد.

پیش از این تظاهرات، به دلیل سرکوب شدید تقریبا خبری از اعتراضات خیابانی نبود. آخرین تظاهرات نسبتا مهمی که با حضور تنها چند هزار معترض و عمدتا در قاهره رخ داد، علیه یکی از اقدامات سیسی، یعنی واگذاری دو جزیره استراتژیک در دریای سرخ به عربستان سعودی شکل گرفته بود.

دولت با معترضان به شیوه ای برخورد کرد که پس از کودتای نظامی ۲۰۱۳ متداول شده است. ارتباطات مخابراتی مختل شد و وب سایت ها سانسور شدند. بیش از سه هزار نفر را دستگیر کردند. به خانه فعالین سیاسی ریختند. وکلا و مخالفان را ربوده و تحت شکنجه شدند. از طرف دیگر، هم رسانه های دولتی و هم رسانه های خصوصی به شکل هیستریکی به معترضان تهمت و افترا بستند.

در ماه های اخیر، مصری ها شدیداً تحت تأثیر ویدئوهائی قرار داشته اند که محمد علی، بازیگر چهل و پنج ساله و پیمانکار ساختمانی پیشین در فیس بوک منتشر کرده است. علی که ارتباط تنگاتنگی با ارتش مصر نیز داشت، سال گذشته بی سروصدا کشور را به مقصد اسپانیا ترک کرد. او ۲ سپتامبر جزئیات فساد فرماندهان ارتش، خانواده سیسی، و اطرافیانش را علنی ساخت.

اگرچه فساد نظامی بر عموم مصری ها آشکار بود، نفس مردم بند آمد وقتی که با خبر شدند سیسی و اطرافیانش چگونه میلیاردها پوند مصری را بر سر پروژه های عجیب و غریب به باد داده و خرج اماکن و هتل های لوکس کرده اند. این افشاگری توجه ویژه ای را به خود جلب کرد، چرا که مصادف بود با اجرای برنامه ریاضت اقتصادی و نیز سخنان تکراری سیسی در مورد «فقر» کشور.

علی در یک حرکت ناگهانی، از طریق پلتفرم خود «میلیون ها» مصری را فراخواند تا روز ۲۰ سپتامبر به خیابان ها بروند. او ادعا کرد که ارتش و پولیس «کنار مردم خواهند ایستاد» و کار سیسی تمام است.



با توجه به همه همه ای که در مورد محمد علی به راه افتاده بود، تئوری هائی مبنی بر این که چه کسی واقعا «پشت» محمد علی قرار داشت، در رسانه های اجتماعی و جمع های خصوصی طرح شد و زبان به زبان چرخید. شایعاتی نیز در میان مردم در جریان بود مبنی بر این که «نیروهای امنیتی دچار چنددستگی شده اند.» می گفتند که سازمان اطلاعات کل مصر پر از مأمورهای مخالف با سیسی است که به خشم آمده و آماده اند تا به حمایت از معترضان و عزل سیسی قد علم کنند. البته این نه نشانه عشق به ارتش یا سازمان اطلاعات کل، بلکه بیش تر گواه سطح ناامیدی مصری ها پس از نابودی تمام بدیل های سیاسی در این دوران سخت بود.

در حقیقت، حتی یک حزب سیاسی هم فراخوان علی برای تظاهرات را تأیید نکرد. این امر نه لزوماً به دلیل مشکوک بودن احزاب نسبت به علی، بلکه بیش تر برخاسته از این واقعیت بود که منع و سرکوب مداوم سیاسی بیش تر احزاب سیاسی و شبکه های فعالان سیاسی را درهم شکسته بود.

تظاهرات ناگهانی که ۲۰ سپتامبر شکل گرفت، همه را شگفت زده کرد، و به طور کلی هیچ یک از فعالان سیاسی قدیمی دارای پیشینه و سابقه در آن شرکت نکردند.

آن هائی که در قاهره و سایر شهرها به خیابان ها ریختند، عموماً جوانان و نوجوانانی بودند که تقریباً هیچ تجربه سیاسی نداشتند و البته به هیچ سازمانی متعلق نبودند. این معترضان با گاز اشک آور، خشونت نیروهای پولیس، و بازداشت انبوه مواجه شدند.

اما در شهر صنعتی سوئز در شمال مصر، که جرقه های انقلاب ۲۵ ژانویه سال ۲۰۱۱ در آن جا افروخته شده بود، معترضان در طول دو روز با پولیس مبارزه کردند. در یک رویداد استثنائی نیز، سرمایه دار بزرگی موافق با رژیم که صاحب یک کارخانه سرمایه بود، کارکنانش را جمع کرد تا برای حمایت از سیسی راهپیمائی کنند، اما کارگرانی که در کارخانه جمع شده بودند، شروع کردند به شعار دادن علیه فرد دیکتاتور: «ارحل! ارحل!» (برو یا در واقع، سرت کم!)

نهایتاً ارتش اقدامی به نفع مردم نکرد و پولیس نیز کنار معترضان نایستاد. با این وجود، علی تصمیم گرفت که فراخوان موج دیگری از تظاهرات اعتراض آمیز را برای جمعه بعدی، یعنی ۲۷ سپتامبر، صادر کند. هیچ کس به این فراخوان اعتنائی نکرد، نه در قاهره و نه در شهرهای بزرگ. تنها شمار کمی از معترضان در دو شهر جنوبی راهپیمائی کردند.

تقریباً غیرممکن بود که این تظاهرات تداوم یابد. سرکوب یکپارچه ای که پس از ۲۰ سپتامبر رخ داد، عامل بازدارنده مهم بود. نه فقط حکومت بیش از سه هزار معترض را دستگیر کرد، و نیروهای پولیس و لباس شخصی تمام میدین مهم قاهره و دیگر شهرها را محاصره کردند، بلکه به افراد مشهور، کارمندان دولت، و کارگران کارخانه ها دستور دادند و (به زور رشوه و تهدید) آن ها را بسیج کردند تا به طور هم زمان در حمایت از سیسی تظاهرات کنند.

به دنبال اعتراضات ۲۰ سپتامبر، سطحی از ناامیدی و سرخوردگی و عدم اعتماد نسبت به فراخوان علی در مورد درگیری های نیروهای امنیتی میان خودشان و تصمیم ارتش به برکناری سیسی ایجاد شد. این داستان از همان ابتدا یک بازی بود. اما این باور که ارتش و پولیس در فکر برکناری سیسی بودند، واقعا برخی را تشویق کرده بود که به این اعتراضات بپیوندند.

مهم تر آن که، برای استمرار بخشیدن به اعتراضات ناگهانی یا خودجوش، وجود یک سازمان ضروری است تا چنین جنبشی را در خیابان ها حفظ کند و سامان بخشد، و یک بدیل سیاسی مشخص ارائه دهد. خودانگیختگی بهدرازا نمی انجامد و برای براندازی یک حکومت کافی نیست. در حقیقت، پس از کودتای نظامی ژوئیه ۲۰۱۳، سیسی توانسته تمام ساختارهای تشکیلاتی که قادر بودند چنین نقشی را بازی کنند، نابود سازد: احزاب سیاسی، اتحادیه های مستقل، سازمان های جوانان، و ساختارهایی از این قبیل. اتفاقی نبود که به دنبال بازداشت های انبوه معترضان، نیروهای امنیتی فوراً سراغ فعالان کارکنشده و رهبران احزاب سیاسی رفتند که هنوز زندانی نشده بودند، اگرچه این افراد هیچ نقشی در بسیج نیروها در تظاهرات اخیر نداشتند.

در پاسخ به این عدم رضایت عمومی، حکومت نیز باعجله مبارزه خود با فساد را اعلام، و از نو دادن یارانه غذا به حدود دومیلیون مصری را آغاز کرد. تبلیغاتچی های دولت نیز اشاره کردند که قرار است در آینده نزدیک «اصلاحات سیاسی» صورت گیرد. البته با نظر به هجوم مداوم حکومت به سمت چهره های مخالف و شکجه کردن آن ها، و همین طور قدغن کردن اعتراضات خیابانی، واضح است که در آینده هرگز چنین اصلاحاتی صورت نخواهند پذیرفت.

سیسی و دو پسرش هر یک نیروهای امنیتی متفاوتی را تحت کنترل خود دارند. فرماندهان ارتش به او وفادار است، چرا که امتیازات و منافع شان همواره محفوظ است؛ حتی زمانی که ثابت شد عملیات ضدشورش آن ها در شبه جزیره سینا شکستی مفتضحانه بوده نیز تغییری از این بابت رخ نداد.

غلبه کودتای نظامی سیسی بر انقلاب مصر و جنگ کثیفی که به دنبال آن در گرفت، خسارات زیادی بر شبکه ها و نهادهای فعالیت سیاسی وارد کرده؛ نهادهایی که می توانستند میانجی بسیج معترضان در خیابان ها و کارخانه ها شوند. بهبود این وضعیت به گذر زمان و تلاش و کوشش نیاز دارد. طغیان منطقه ای در سودان، الجزایر، و دیگر نواحی به عنوان یک کاتالیزور زنجیره ای به تحقق این امر کمک خواهند کرد. اگر انقلاب فرآیندی انباشتی باشد، اعتراضات سپتامبر جهشی رو به جلو در این فرآیند بودند.

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا پس از دیدار و گفت‌وگو با عبدالفتاح السیسی در حاشیه برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل از حکومت السیسی در برابر معترضان دفاع کرد.

هانک کانگ

همه چیز در ماه آوریل گذشته، زمانی آغاز شد که خانم کاری لام، رئیس اجرائی یا فرماندار هانک کانگ لایحه ای قانونی به مجلس ارایه کرد که استرداد مجرمان را مجاز می ساخت. به موجب این لایحه، دستگاه قضائی تایوان می بایست یک دانشجوی هانک کانگی که در تایپه دوست دختر خود را به قتل رسانده بود را به هانک کانگ مسترد می کرد تا در آن جا محاکمه شود. حادثه ای که تا حد زیادی مردم هانک کانگ را متأثر کرده بود. اما، مردم فهمیدند که هدف این قانون می تواند استرداد همه افراد متهم به بزهکاری به حکومت پکن باشد.

البته، قدرت حاکم در چین، در سال ۲۰۱۵ هنگامی که ۵ ناشر هانک کانگی که قصد انتشار آثاری ناخوشایند درباره رئیس جمهوری شی جین پینگ، یا یک بازرگان بسیار ثروتمند به نام شیائو جیانهوآ در سال ۲۰۱۷ داشتند را دستگیر کرد و به خاک چین برد چندان در بند وجود قانون استرداد مجرمین نبود... این افراد چندماه بعد در حالی ظاهر شدند که به آن ها تفهیم شده بود که در آینده نباید پا از گلیم خود فراتر بگذارند. آن چه باقی می ماند این است که در این لایحه قانونی حقوق دان ها و مدافعان حقوق بشر نوع تازه ای از زیر سؤال رفتن استقلال قضائی هانک کانگ را می دیدند.

این حقوق دان ها و مدافعان حقوق بشر در واقع نخستین کسانی بودند که در ماه های آوریل و مه زیر نظر تائید کننده بازرگان های بزرگ و مهم به این قانون اعتراض کردند. این بازرگان ها صاحبان املاک بزرگ و سرمایه دارانی هستند که به گردش سرمایه های کم و بیش قانونی از داخل چین عادت دارند و اشتیاق چندانی به این ایده ندارند که پکن در امر مربوط به ایشان دخالت کند.

هانک کانگی ها در آغاز، خواستار لغو لایحه قانونی استرداد مجرمین بودند؛ اکنون خواهان برگزاری انتخابات آزاد هستند. هانک کانگی هائی که صدها هزار نفرشان به خیابان ها ریخته اند، با وجود سرکوب شدید محلی و تهدیدهای رهبران چین تضعیف نشده اند. درگیری هائی که برای پکن، در زمانی که واشنگتن می کوشد جلوی قدرتمند شدن آن را بگیرد، عواقب مهم دارد.

مانند همه جنبش های مردمی جهان، جنبش هانک کانگ، که صدها هزار تن تظاهر کننده را گردهم آورده، از جریان های مختلفی تشکیل شده که برخی از آن ها مسالمت جو و برخی دیگر رادیکال هستند و مطالبات شان تنها در یک دستور کار خلاصه نمی شود.

دانشجویان، که «جنبش چترهای» ایشان ۵ سال پیش به یک رشته بازداشت‌ها منجر شد، پرچم‌دار تظاهرات هستند. صدها هزار تن هانگ کانگی به خیابان‌ها ریختند که از دید آن‌ها، این لایحه یک اعمال زور قانونی توسط حاکمیت چین برای کاستن از خودمختاری شان است.

در روز یکشنبه ۹ ژوئن، یک میلیون تن خیابان‌های شهر را به تصرف خود درآوردند. یک هفته بعد، شمار آن‌ها به دو میلیون تن (از ۲/۷ میلیون جمعیت) رسید. خانم لام در پیله سکوت فرو رفت و به پولیس دستور برخورد داد. باید تا ۱۵ ژوئیه انتظار کشیده می‌شد تا او بی سروصدا لایحه قانونی خود را تعلیق کند. بخشی از معترضان هوادار اقدامات رادیکال، مانند تخریب «شورای قانون‌گذاری»، از بین بردن پاسگاه‌های پولیس و مسدود کردن فرودگاه‌ها شدند. گزینه فرماندار خشونت و سرکوب با گاز اشک‌آور، خودروهای آبپاش و استفاده از گلوله‌های پلاستیکی است.

لام، هم‌چنین دست به یک رشته (بیش از ۶۰۰) بازداشت زده و اقداماتی با هزینه کل ۱/۱۹ میلیارد دلار هانگ کانگ (۱/۲ میلیارد یورو) در زمینه کاهش مالیات حقوق، پرداخت یارانه برق برای افراد کم‌درآمد و پرداخت کمک هزینه به دانشجویان کم‌بضاعت انجام داده است.

سردبیر تحریریه روزنامه هانگ کانگی «ساوت چاینا مورنینگ پست» می‌گوید: «این که خانم لام و آقای چان (پل چان، وزیر امور مالی) بخواهند تنها با خرج کردن پول آرامش برقرار کنند ساده لوحانه است. بحران سیاسی تنها از راه انجام اقدامات سیاسی می‌تواند چاره‌جویی شود.»

اسپانیا

معترضان در این شهر از ۱۴ اکتبر - ۲۲ مهر، هر شب با پولیس درگیر شده‌اند. عصبانیت و خشم آن‌ها از تصمیم زندانی کردن رهبران شان است.

در آن روزها، معترضان در مقابل یورش پولیس ایستادند و با پرتاب بمب‌های بنزینی، اسید و مواد بنتی به سمت پولیس صدها سطل زباله را به آتش کشیده‌اند و به وسائل نقلیه پولیس آسیب رسانده‌اند.

اعتراض‌ها تاکنون به زخمی شدن بیش از ۵۰۰ نفر و بازداشت بیش از ۱۵۰ نفر منجر شده است.

اعتراض‌ها در ایالت کاتالونیا اسپانیا از سال ۲۰۱۷ و با آغاز همه‌پرسی برای استقلال و جدائی این ایالت از اسپانیا شروع شد.

دادگاه کشور اسپانیا، چند روز قبل ۹ نفر از رهبران ایالت کاتالونیا را به ۹ تا ۱۲ سال حبس محکوم کرد که باعث از سرگیری مجدد اعتراضات در این منطقه شد. این ۹ نفر متهم به اغتشاش و جرائم مالی در جریان بحران همه‌پرسی استقلال کاتالونیا شدند که دولت اسپانیا آن‌ها را غیر قانونی اعلام کرده بود.

۳۵۰ هزار کاتالونیایی در روز ۲۷ اکتبر، در اعتراض به حکم زندان رهبران خود در بارسلونا تظاهرات کردند و از مقامات اسپانیا لغو حکم را خواستار شدند.

به گزارش یورونیوز، راهپیمائی اعتراض‌آمیز توسط مجمع ملی کاتالونیا و سازمان‌های عمومی فرهنگی اومنیوم برگزار شد، که رهبران آن‌ها هر کدام به ۹ سال زندان محکوم شدند.

این اعتراضات توسط بیش از ۱۰۰ سازمان، انجمن و اتحادیه صنفی حمایت می‌شود. معترضان در این راهپیمائی خواستند که مقامات اسپانیایی رهبران زندانی شده کاتالونیا را آزاد کنند.

«کیوم تورا» رئیس کاتالونیا، به حضور در راهپیمایی اعتراض آمیز مخالفین گفت: ما تا آن جا که مردم می خواهند پیش خواهیم رفت.

در ادامه تجمع های اعتراض آمیز، ۲۷ اکتبر حزب راست گرای واکس راهپیمایی «در دفاع از وحدت اسپانیا» در مرکز مادرید برگزار کرد که بیش از ۲۰ هزار نفر در آن شرکت کردند.

«سانتیاگو آباسکال» رهبر حزب واکس از دولت اسپانیا خواست که فعالیت احزاب «جدائی طلب» را ممنوع، استقلال کاتالونیا را به حالت تعلیق در آورد و «کیوم تورا» را بازداشت کند.



ساکنان بارسلون، مرکز منطقه کاتالونیای اسپانیا، اعتراض خود را در حالی آغاز کردند که بوی ناشی در مرکز شهر به مشام می رسید و پاره های سنگ، شیشه های شکسته و گلوله های پلاستیکی در میدان ها و مناطق درگیری دیده می شد.

پیش از آغاز درگیری های شامگاه جمعه، نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر از معترضان نیز در بارسلون دست به راهپیمایی مسالمت آمیز زدند.

این اعتراضات، بامداد شنبه در برخی مکان های کاتالونیا هم چنان ادامه داشت؛ از جمله در پی راهپیمایی گروهی از طرفداران استقلال، بزرگراه مرزی اسپانیا - فرانسه بسته شد.

احکام سنگین ۹ تا ۱۳ سال زندان برای نقشی که ۱۲ رهبر منطقه کاتالونیا در جریان همه پرسی استقلال این منطقه از اسپانیا در سال ۲۰۱۷ داشتند، صادر شده است. احکامی که معترضان آنها را «ناعادلانه» می دانند.

کاتالونیا منطقه ای صنعتی و ثروتمند در اسپانیا به شمار می رود که سال هاست از خودگردانی برخوردار است با این حال در سال های اخیر، جنبش استقلال طلب کاتالونیا تلاش کرده است تا این منطقه را از اسپانیا جدا کند.

بنگله دیش

پولیس بنگله دیش خبر داد که در برخورد نیروهای امنیتی با معترضان به یک پست فیس بوکی چهار تن کشته شده اند. به گزارش خبرگزاری «اسوشیئدپرس»، ناآرامی در جنوب بنگله دیش و در واکنش به یک مطلب انتقادی درباره محمد، پیامبر اسلام، رخ داد.

رئیس پولیس محلی گفت که خشونت ها روز یکشنبه ۲۰ اکتبر - ۲۸ مهر، در شهر برهان الدین در حالی به وقوع پیوست که معترضان خشمگین خواستار مجازات یک مرد هندو به خاطر یک کامنت در فیس بوک شدند. این مرد گذاشتن چنین کامنتی را انکار کرد و گفت که حساب فیس بوکی اش هک شده است. بر اثر تیراندازی پولیس که با هدف متوقف کردن جمعیت خشمگین صورت گرفت، علاوه بر کشته شدن چهار تن، دهها تن نیز زخمی شده اند.

موارد متعددی از تنش های ملی و مذهبی در بنگله دیش گزارش می شود، و اقلیت های این کشور از متحمل شدن تبعیض و خشونت شکایت دارند.

اکوادور

به نظر می رسد که خشم مردم اکوادور از روز ۱۳ اکتبر به بعد، تقریباً آرام شده باشد. آنان از روز اول اکتبر برای اعتراض به افزایش بهای سوخت به خیابان آمدند. بعد از کشته شدن ۸ نفر و زخمی شدن بیش از هزار نفر، دولت از افزایش قیمت صرف نظر کرد.

اخیراً وقتی دولت اکوادور اعلام کرد در راستای کاهش هزینه های عمومی و طبق توافق با صندوق بین المللی پول می خواهد سوبسید سوخت که چندین دهه سابقه دارد را حذف کند، مردم به خیابان ها ریختند. این تغییر، افزایش شدید قیمت بنزین را به همراه داشت به طوری که بسیاری گفتند توانائی خرید آن را ندارند.

معترضانی که خواهان پایان یافتن ریاضت اقتصادی و بازگشت سوبسیدها بودند، بزرگراه ها را بند آوردند، مجلس را به هم ریختند و با نیروهای امنیتی درگیر شدند. بعد از چند روز اعتراض عمومی، دولت عقب نشینی و دستور خود برای حذف سوبسید را لغو کرد.

گینه

در این کشور افریقائی، ادعای آلفا کنده، رئیس جمهوری ۸۱ ساله، برای یک دوره مجدد ریاست جمهوری مردم را عاصی کرد. تظاهرات در گینه از روز ۷ اکتبر شروع شد.

هزاران نفر در الجزایر علیه دولت تظاهرات کردند

هزاران نفر از مردم الجزایر در ۶۵مین سالگرد شروع جنگبرای استقلال این کشور از استعمار فرانسه در الجزیره علیه دولت تظاهرات کردند.

به گزارش خبرگزاری المان، شامگاه جمعه نیز هزاران نفر علیه عوامل باقی مانده از نظام عبدالعزیز بوتفلیقه، رئیس جمهور مستعفی این کشور تظاهرات کرده و خواستاری برکناری آن ها شدند.

بنا بر گزارش های رسانه های محلی، ده ها تظاهر کننده تاکنون توسط مأموران امنیتی بازداشت شده اند.

الجزایر از ماه فوریه به بعد هر هفته شاهد تظاهراتی بزرگ است. در ماه آوریل، بوتفلیقه کناره گیری کرد. قرار بود در تابستان سال جاری انتخابات جدید برپا شود اما این انتخابات به اواسط ماه دسامبر موکول شد.

بحران سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱

در بحران شدیدی که طی سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ میلادی دامن اقتصاد جهانی را گرفت، بار دیگر ناقوس مرگ سیستم سرمایه داری در این جا و آن جا به صدا در آمد، از جمله در حکومت اسلامی ایران که رئیس جمهوری اسلامی آن، بی توجه به آن چه در دنیای امروز می گذرد، فریاد بر آورد که «به فضل الهی امروز نظام سرمایه داری به بن بست رسیده است و... خداوند متعال با زمین خوردن اقتصاد سرمایه داری هم به ما هشدار داد و هم باعث شد اقتصاد را از سیطره این نظام در جهان نجات دهیم.»

آن چه خامنه ای و روحانی و هم فکران او در طیف جریان های گوناگون مطرح می کنند نه مخالفت با سیستم سرمایه داری، بلکه مخالف یک مدل آن در مقابل مدل دیگری ست: مدل اقتصاد دولتی مخالف مدل اقتصاد آزاد! بحران سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ میلادی، آزمونی تازه در تاریخ اقتصادی جهان بود، به این دلیل ساده که برای نخستین بار تقریباً سراسر کره زمین را در بر گرفت. در بحران های پیشین اقتصادی، از جمله بحران سال ۱۹۲۹ میلادی، که سخت ترین آن ها بود، رکود و فروریزی فعالیت های اقتصادی عمدتاً متوجه امریکا و اروپای غربی بود و بر اقتصاد بسیاری دیگر از مناطق جهان، تنها به گونه ای حاشیه ای تاثیر گذاشت.

این بار اما بحران واقعا ابعاد جهانی به خود گرفت، زیرا سیستم سرمایه داری از روندها و بسترهای قدیمی خود خارج شده، صدها میلیون نفر از مردمان را در جهان، به ویژه به اصطلاح «جهان سوم» را در بر گرفته، در بخش های بزرگی از آسیا و امریکای لاتین قدرت های اقتصادی نوظهور به وجود آورده و با تکیه بر امواج انقلابات تکنولوژی های مدرن، انقلاب بزرگی را در تقسیم بین المللی کار و نیز شکل بندی بازرگانی و توزیع سرمایه گذاری در جهان به وجود آورده است. با توجه به پیوند تنگاتنگ میان همه این اقتصادها، بحران و مظاهر آن از جمله سقوط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و اوج گیری تورم و بی کاری، به سرعت از چارچوب مرزهای یک کشور و یک منطقه و یک قاره فراتر رفته و به ویژه جا به جایی کالا، پول و سرمایه، با تکیه بر تکنیک نیرومند تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی، به سرعت جهانی می شود.

اما خروج از بحران و بازگشت به رونق نیز به همان سرعت پراکنده می شوند و چرخ های فعالیت در اقتصادهای بحران زده، با تاثیر پذیری از یکدیگر، یکی پس از دیگری به کار می افتند. بدین سان، «همبستگی جهانی» در دنیای قرن بیست و یکم دیگر تنها یک موضوع انتزاعی مورد بحث مکاتب اخلاقی و فلسفی نیست. امروز این همبستگی به منافع اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مردمان جهان گره خورده است.

امریکا و چین، رقیب یکدیگرند و احتمالاتی چند دهه آینده در نقش دو ابر قدرت قرن بر سرنوشت روابط بین المللی بیشترین تاثیر را دارند. با این همه این دو قدرت رقیب، متحد یکدیگر نیز هستند و به شدت به هم نیاز دارند. چین نمی تواند از بازار نیرومند امریکا چشم پوشی کند و امریکا نیز به بازار رو به گسترش چین، که طبقه متوسط و مصرف کننده آن به سرعت در حال پیشروی است، نیاز حیاتی دارد.

یکی دیگر از عوامل سیستم سرمایه داری، سطح بسیار بالای بدهی دولت ها در کشورهای بزرگ صنعتی است. در واقع برنامه های «تحریک اقتصادی»، که در پی بحران و به منظور مقابله با آن به اجرا گذاشته شد، کسری بودجه را در این کشورها سنگین تر و نیاز آن ها را به گرفتن وام های سنگین از بازارهای مالی، به شدت بالا برده است. کاهش بدهی های دولتی، یکی از مهم ترین چالش های اقتصادی این کشورها است.

عامل دیگر ناامنی غذایی است که در سطح جهانی وجود دارد. عوامل دیگر بلایای طبیعی، تغییرات آب و هوایی، زلزله و خشک سالی است. و بالاخره منازعه و خشونت و جنگ که یکی از عواملی است که به طور کلی در سطح جهانی تاثیرات زیادی بر کشورها گذاشته است. به طور مشخص منازعه و جنگ در سوریه، عراق، افغانستان، لیبی، یمن و... روی همه جوامع تاثیر گذاشته است.

باید اذعان داشت که بحران های بزرگ سرمایه داری در سال های ۱۸۵۷، ۱۸۷۰، ۱۹۰۷، دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، دهه ۱۹۷۰، دهه ۱۹۹۰ و دهه اول قرن ۲۱ نشان داد که سرمایه داری بنا به ماهیت متناقض خود همیشه بحران زاست. این واقعیت را حتی بسیاری از طرفداران سرمایه داری هم انکار نمی کنند. سرمایه داری نه قادر

است بحران های متعدد و متنوع ذاتی خود را از بین ببرد، و نه بیکاری را ریشه کن نماید، یا عدالت اجتماعی واقعی برقرار کند.

فرانسه

به گزارش سی ان ان، برخلاف پیش بینی ها رشد اقتصادی فرانسه به دو دهم درصد رسیده که چند دهم کوچک تر از پیش بینی های قبلی است. کاهش رشد اقتصادی به سبب کاهش تقاضا در صنایع خودروسازی، پلاستیک و الکترونیک اتفاق افتاده است.

گفته می شود که دولت فرانسه به منظور افزایش رشد اقتصادی، قصد تزریق ۱۹ میلیارد یورو را به اقتصاد دارد. در همین حال، دولت قصد دارد مالیات بر درآمد ثروتمندان را بکاهد تا آن ها بیش تر به سرمایه گذاری تشویق شوند؛ امری که با توجه به حساسیت های جلیقه زردها، به احتمال زیاد با مخالفت های اجتماعی و حتی سیاسی جناح های مخالف مواجه می شود.

دفتر آمار اتحادیه اروپا، هم چنین اعلام کرد که سرعت رشد بخش تولید در آلمان کم شده و بر اساس ارزیابی آن در رکود به سر می برد.

هم چنین به گزارش صندوق بین المللی پول، با اشاره به رسیدن سطح بدهی های فرانسه به بالاترین رقم چهار دهه اخیر پیش بینی کرده است به زودی نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی فرانسه از ۱۰۰ درصد عبور کند که این مسأله یک ریسک جدی بر سر راه رشد اقتصادی بالای فرانسه محسوب می شود. نرخ بیکاری در فرانسه در مقایسه با بسیاری از کشورهای اروپائی کماکان در سطح بالائی قرار دارد.

نرخ بیکاری فرانسه، در حال حاضر بیش تر از متوسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا و دو برابر نرخ بیکاری در همسایه شرقی این کشور یعنی آلمان است. طبق اعلام صندوق بین المللی پول تبعیض زیادی در محیط کاری برای مهاجرین خارجی به فرانسه وجود دارد به گونه ای که بیش از ۳۲ درصد مهاجران خارجی به فرانسه فاقد شغل هستند در حالی که این رقم برای آلمان تنها ۱۵ درصد و برای ۲۸ کشور عضو اتحادیه اروپا ۲۳ درصد است.

امریکا

رشد سالانه تولید ناخالص داخلی که در اوایل ۲۰۱۸ به اوج رسیده بود، از آن زمان کاهش یافته و حالا تقریباً برابر با ۲۰۱۵ است. سرمایه گذاری تجاری بیش از حد انتظار سقوط کرده و به نظر می رسد به سمت یک رکود پیش می رود.

رشد اقتصادی کند شده و در سه ماهه دوم ۲۰۱۵ کندتر شده است. اگر رشد اقتصادی هم چنان افت کند، در روز انتخابات ۲۰۲۰ کم تر از رشد اقتصادی ۲۰۱۵ خواهد بود، این یک خیر بد اقتصادی برای ترمپ است.

با وجود وعده های دونالد ترمپ، کسری بودجه دولت امریکا به مرز یک تریلیون دالر رسیده که در سال های اخیر بی سابقه بوده است. علت این افزایش سیاست های دولت ترمپ در مورد کاهش مالیات و بالا رفتن هزینه ها عنوان می شود.

کاهش کسری بودجه یک از شعارهای چهل و پنجمین رئیس جمهوری ایالات متحده، دونالد ترمپ بوده است. گزارش روز جمعه سوم آبان -۲۵ اکتبر، وزارت خزانه داری امریکا خلاف این وعده را نشان می دهد.

بر پایه این گزارش، کسری بودجه امریکا در سال مالی منتهی به سپتامبر ۲۰۱۹ به نسبت دوازده ماه قبل از آن ۲۶ درصد افزایش یافته و به ۹۸۴ میلیارد دلار رسیده است.

این میزان کسری معادل ۴/۶ درصد تولید ناخالص داخلی ایالات متحده و از این منظر به نسبت سال گذشته هشت دهم درصد بیش تر است.

کارشناسان معتقدند کاهش مالیات بنگاه‌های اقتصادی توسط دولت دونالد ترامپ و افزایش هزینه‌ها عامل اصلی نزدیک شدن کسری بودجه به یک تریلیون دلار است.

مطابق گزارش وزارت خزانه داری امریکا، افزایش هزینه‌ها از جمله در حوزه‌های خدمات اجتماعی، دفاعی و هزینه بدهی‌های دولتی عامل کسری بودجه بوده است. این وزارت خانه میزان بدهی‌های دولتی را در حال حاضر ۱۶ تریلیون و ۸۰۰ میلیارد دلار اعلام کرده است.

کسری بودجه در دومین سال مالی ریاست جمهوری دونالد ترامپ به بالاترین سطح در هفت سال اخیر رسیده است. در سال ۲۰۰۹ و در دولت اول باراک اوباما این میزان به یک تریلیون و ۴۰۰ میلیارد دلار رسیده بود.

اوباما در پی بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸، هزینه‌های گزافی صرف نجات سیستم بانکی ایالات متحده کرد که علت اصلی افزایش سرسام آور کسری بودجه محسوب می‌شود. او در سال پایانی حضورش در کاخ سفید و پیش از به قدرت رسیدن ترامپ موفق شده بود این کسری را به ۵۸۵ میلیارد دلار کاهش دهد.

وزیر خزانه داری امریکا با وجود افزایش کسری بودجه، سیاست‌های اقتصادی ترامپ را کارآمد می‌داند. دونالد ترامپ هنگام ورود به کاخ سفید وعده داده بود طی هشت سال کسری بودجه را به صفر برساند. تیم اقتصادی او وعده می‌داد کاهش درآمدهای ناشی از کاهش مالیات واحدهای تولیدی از طریق رونق اقتصادی و بالا رفتن اشتغال جبران شود.

با این همه و با وجود رشد اقتصادی مثبت ایالات متحده هنوز پیش بینی دولت برای جبران درآمد کاهش یافته مالیاتی تحقق نیافته است. کاهش درآمدهای مالیاتی در سال گذشته حدود یک و نیم تریلیون دلار برآورد می‌شود.

به کانال دویچه وله فارسی در تلگرام بپیوندید

روزنامه وال استریت ژورنال ماه گذشته به نقل از کمیته بودجه فدرال امریکا ابراز نگرانی کرده بود که با ادامه وضعیت کنونی کسری بودجه ایالات متحده تا سال ۲۰۲۸ به ۲ تریلیون دلار برسد.

با وجود ادامه روند افزایشی کسری بودجه، استیون منوچین، وزیر خزانه داری امریکا روز جمعه ادعا کرد که سیاست‌ها و رویکرد اقتصادی دونالد ترامپ «عمل می‌کند» او از کنگره ایالات متحده خواست برای به ثبات رسیدن اقتصاد این کشور جلوی «هزینه‌های بی‌فایده و غیرمسئولانه» را بگیرد.

وال استریت قلب تپنده اقتصاد امریکا محسوب می‌شود. ساختمان بازار بورس نیویورک که بزرگترین بورس جهان از نظر میزان معاملات و حجم مالی است، در خیابان وال استریت قرار دارد. همچنین مرکز بزرگترین مراکز اقتصادی ایالات متحده امریکا و چند بورس مهم اقتصادی این کشور از جمله بازار بورس نیویورک (NYSE)، بازار بورس نزدک (NASDAQ)، بازار بورس امریکا (AMEX)، بازار بورس تجاری نیویورک (NYMEX) و میز بازرگانی نیویورک (NYBOT) در این منطقه قرار دارد.

در طول زمان، نام وال استریت به عنوان «مکان افراد دارای نفوذ اقتصادی در امریکا» شهرت یافته است هم از این رو بود که اعتراض‌ها و تجمعاتی خیابانی که از تاریخ ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱ در نیویورک آغاز شد از همین محل شروع شد و نام آن برگرفته از قلب اقتصادی امریکا بود و به جنبش اشغال وال استریت شهره یافت.

«جنبش وال استریت را اشغال کنید» در وب سایت خود و در بخش معرفی آورده است: «ما ۹۹ درصدی هستیم که از خانه های خود بیرون رانده شده ایم. ما از خدمات درمانی مطلوب محروم بوده ایم. ما از آلودگی محیط زیست رنج می بریم. ما ساعات طولانی را برای مقدار اندکی دستمزد و بدون بهره مندی از حقوق قانونی خود سخت کار می کنیم، البته اگر بتوانیم کاری پیدا کنیم. در حالی که یک درصد دیگر از همه چیز برخوردار است، ما از هیچ چیز برخوردار نیستیم. ما ۹۹ درصد جامعه هستیم.»

این جنبش اعلام کرده بود که قصد دارد ۲۰ هزار نفر را به محله منهن نیویورک بیاورد تا برای چند ماه این محله را تسخیر کنند. چنین اقداماتی از تجمعات اعتراض آمیز مردم مصر، یونان، اسپانیا و ایسلند الهام گرفته شده بود و به گفته گردانندگان جنبش، این لشکرکشی برای سرنگونی بزرگ ترین انحراف ایجاد شده در دموکراسی، قلمداد می شود.

اعتراض به مسائلی هم چون فقر، بیکاری، قدرت و نفوذ شرکت های بزرگ، نابرابری اجتماعی، جنگ های خاورمیانه، بدهی دانشجویان و پاداش های زیاد برای مجریان وال استریت، از جمله اهداف آغاز این جنبش اعلام شده است. تظاهر کنندگان، هم چنین خواهان وضع مالیات بیش تر بر طبقه ثروتمند و پاسخ گویی بانک ها در قبال اقدامات شان هستند که به بحران اقتصادی امریکا دامن زده است.

با آغاز این اعتراضات که نه تنها برای مقامات امریکا بلکه برای دیگر مردم جهان نیز غیرمنتظره بود، در فاصله ای کم تر از یک ماه شعار محوری جنبش، «۹۹ در صد در برابر یک در صد» بازتاب جهانی عظیمی پیدا کرد و به بقیه نقاط جهان که در ارتباط با نظامی سرمایه داری بودند تسری یافت و اعتراض های بین المللی نسبت به آن چه «طمع سیستم بانکی» خوانده شده، ابعادی گسترده تر از قبل یافت.

برخی کارشناسان، تغییرات در ساختار فرهنگی و درونی جامعه امریکا و برخی افزایش افسارگسیخته ناهمگونی اجتماعی و فاصله طبقاتی را مطرح می کنند، برخی بر شرایط اقتصادی حاکم بر کشور و افزایش روز افزون فقر و گرسنگی و نیاز ۴۶ میلیون امریکایی به کمک های دولتی را اولویت دانسته اند؛ برخی گسست میان مردم و سیاست مداران امریکا را دلیل اعتراض ها دانسته و برخی نیز سیاست خارجی و نارضایتی مردم از جنگ طلبی های دولت امریکا و تزلزل موقعیت جهانی امریکا و بحران نظام سرمایه داری را دلیل این اعتراض ها عنوان کرده اند.

کارشناسان اقتصادی، نقطه آغاز و منشاء بروز بحران اقتصاد سرمایه داری را در تشدید بحران اقتصادی امریکا طی سال های اخیر و مشخصا از سال ۲۰۰۸ می دانند. بحرانی که با رکود بازار مسکن امریکا، افت شدید در بازارهای مالی امریکا و کاهش ۳۰ تا ۳۵ درصدی ارزش دالر آغاز شد و تاثیر شدید آن بر اقتصادهای متأثر از امریکا نظیر اقتصاد اروپا، اقتصاد شرق آسیا، امریکای لاتین و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، این بحران را در ابعاد جهانی مطرح کرد.

در گزارشی که مرکز پژوهش های کنگره امریکا آن را منتشر کرد آمده است که رویکرد نهادها و بنگاه های مالی و اقتصادی امریکا به شکل گیری جنبش اعتراضی اشغال وال استریت کمک زیادی کرده است. در این گزارش اشاره شده است که اگر چه اعتراضات جنبش اشغال وال استریت که از سپتامبر سال ۲۰۱۱ آغاز شد، تقاضای واحد و مشخصی را مطرح نکرده و معترضان نمایانگر طیف وسیعی از نگرش ها، خواسته و اعتراض ها هستند اما شاید بتوان از گسترش فاصله طبقاتی میان یک درصد ثروتمند جامعه که شامل بانک داران و مدیران نهادهای مالی می شود و ۹۹ درصد دیگر جامعه به عنوان نگرانی اصلی اشغال کنندگان وال استریت یاد کرد. به اعتقاد

معترضان، ثروت و قدرت هنگفتی در اختیار یک درصدی قرار گرفته که علاقه ای به بهبود سلامت اقتصاد ندارند.

هم چنین مطالعات مختلف نشان می دهند که بخش قابل توجهی از افزایش درآمد طی دهه های گذشته در امریکا به ثروتمندان اختصاص یافته است. همان طور که در گزارش دفتر بودجه کنگره امریکا که در اکتبر ۲۰۱۱ منتشر شد آمده طی سال های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۷ درآمد یک درصد پردرآمد جامعه به میزان ۲۷۵ درصد رشد کرده در حالی که رشد درآمد ۶۰ درصد میانی جامعه کم تر از ۴۰ درصد بوده است.

«فرانکلین فیشر» استاد اقتصاد دانشگاه ماساچوست امریکا درباره علل شکل گیری جنبش وال استریت می گوید؛ این جنبش را عوامل زیادی پدید آورده اند؛ اما آن چه بیش از همه، مردم را دور هم جمع کرده است احساس و اعتقاد فزاینده نسبت به دو موضوع است. نخست آن که شرایط اقتصاد امریکا باعث شده است آن ها به این اعتقاد برسند که نه تنها خودشان وضعیت مناسبی ندارند، بلکه کودکان شان نیز آینده مناسبی نخواهند داشت. تظاهرکنندگان با مشکلات اقتصادی قابل توجهی مواجه هستند.

دوم آن که تظاهرکنندگان از وجود نابرابری فزاینده در درآمد و ثروت در امریکا خشمگین هستند؛ نابرابری که جمهوری خواهان کنگره با اتخاذ هرگونه اقدام برای مقابله با آن مخالفت می ورزند. طرفداران جنبش وال استریت وضعیت جاری را شدیداً ناعادلانه و نامناسب می دانند.

روزنامه «گاردین» در اوج بحران اقتصادی غرب نوشت؛ «اگر کارل مارکس زنده بود از آشوب های امروز در نظام سرمایه داری به ذوق می آمد، زیرا در بحرانی که سراسر نظام مالی جهان را فرا گرفته، برخی از نظریات خود را محقق می دید.»

در سال ۲۰۱۲، یک درصد امریکائی ها درآمد ۱۹/۳ درصد خانوارهای امریکائی را به خود اختصاص دادند. براساس این گزارش، نابرابری درآمدها افزایش یافته است، شکاف طبقاتی گسترش یافته است و کنگره امریکا جز فقر و کاهش پشتیبانی از سیستم های حمایتی چیزی از خود نشان نداده است.

المان

بر اساس داده های منتشر شده درباره صنعت چهارمین قدرت اقتصادی جهان، برخی اقتصاددانان می گویند اقتصاد المان احتمالاً وارد رکود شده است. المان بزرگ ترین قدرت اقتصادی اروپاست و سلطه رکود بر اقتصاد این کشور می تواند سایر اقتصادهای بزرگ اروپا را با بحران مالی رو به رو کند. براساس این آمارها، تولیدات صنعتی ماه نوامبر المان کاهش ۱/۹ درصدی را تجربه کرد. نسبت به سال گذشته اما این تغییر به بیش از ۴/۶ درصد رسیده است، این بزرگترین کاهش از بحران مالی ۲۰۰۸ تاکنون است.

صادرات و واردات المان در ماه نوامبر سال جاری کاهش یافت. به عقیده کارشناسان، این کاهش نشانی دیگر از اثرپذیری غول اقتصادی اروپا از محیط پیچیده تجارت جهانی است. تجارت المان درون ناحیه یورو و خارج از این اتحادیه روندی کاهشی را تجربه کرد.

فعالان محیط زیست در تدارک اعتراض های جهانی

«جمعه‌ها برای آینده»، یک شبکه فراملی از فعالان نوجوان محیط زیست در تدارک برپایی یک روز دیگر از اعتراض‌های جهانی در ماه آینده میلادی است. این اعتراض‌ها، اخیراً در آستانه برگزاری اجلاس بعدی سازمان ملل درباره تغییرات اقلیمی برگزار خواهند شد.



شورش نابودی در لوزان سوئیس، ۲۷ سپتامبر

«شورش نابودی»، یک شبکه فراملی دیگر از فعالان محیط زیست نیز در اروپای غربی، امریکای شمالی، استرالیا و نیز کشورهایی از دیگر قاره‌ها در حال انجام یا تدارک کنش‌های اعتراضی برای اعمال فشار بر سیاست‌گذاران است. شاخه‌های هر دو گروه در آلمان به شدت به نابسندگی سیاست‌های اقلیمی تازه اعلام‌شده دولت فدرال معترضند.

هم‌زمان آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل در یادداشتی بار دیگر هشدار داد که باید برای مقابله با تأثیرات وخیم گرمایش زمین هر چه زودتر دست به اقدام فوری زد.

جنبش جمعه‌ها برای آینده برای برگزاری یک دور جدید از اعتراض‌های جهانی در ۲۹ نوامبر، برای واداشتن سیاست‌مداران به مقابله موثر با تغییرات اقلیمی فراخوان صادر کرد.

این جنبش، همراه دیگر سازمان‌ها و شبکه‌های حامی محیط زیست در آستانه اجلاس اقلیمی سازمان ملل در مجمع عمومی در نیویورک نیز «اعتصاب اقلیمی جهانی» را برگزار کرد.

جمعه‌ها برای آینده به ابتکار «گرتا تونبرگ»، فعال نوجوان سوئدی شکل گرفت. دانش‌آموزان ملهم از تونبرگ جمعه‌ها با سر باز زدن از رفتن به مدرسه اعتصاب می‌کنند تا دولت‌ها را به اقدام موثر در برابر تغییرات اقلیمی ناشی از فعالیت‌های بشر وادارند.

گرتا تونبرگ، ۱۶ ساله به عنوان یکی از نامزدهای جایزه صلح نوبل معرفی شده است. پس از سخنرانی شورمندانانه تونبرگ در مجمع عمومی سازمان ملل، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه این فعال نوجوان سرشناس را به ناآگاهی از «پیچیدگی‌های دنیای مدرن» متهم کرد و دونالد ترامپ، همتای امریکائی پوتین نیز در توییتری تونبرگ را دست‌انداخت.

جنبش «شورش نابودی»، شبکه فراملی دیگری از فعالان محیط زیست نیز اعلام کرده بود که از دوشنبه آینده، ۷ اکتبر ۲۰۱۹ خیابان‌ها و میدان‌ها را در چندین کشور عمدتاً غربی مسدود خواهند کرد.



شورش نابودی در پاریس، ۱۷ مه ۲۰۱۹

اعتراض های شورش نابودی، تقریباً در بیش از ۶۰ شهر جهان از جمله در آلمان، هلند، بریتانیا، فرانسه، ایالات متحده، کانادا، افریقای جنوبی، هندوستان، آرژانتین، استرالیا و ... برگزار شد.

شورش نابودی که با اعتراض های گسترده در لندن و اشغال برخی مکان های مهم پایتخت بریتانیا توجه رسانه های بین المللی را به خود جلب کرد، پنجشنبه سوم اکتبر نیز اعتراض دیگری در لندن ترتیب داد.

به گزارش روزنامه «گاردین»، فعالان شورش نابودی پنجشنبه با یک خودروی آتش نشانی مقابل ساختمان وزارت خزانه داری بریتانیا در وست مینیستر لندن رفتند و در حالی که لباس های عزاداری پوشیده بودند، مایعی سرخ - نماد خون - به سمت خزانه داری پاشیدند.

فعالان به نقش نظامی بریتانیا در خاورمیانه و نیز سرمایه گذاری این کشور در شرکت های مرتبط با سوخت فسیلی معترض بودند.

به گزارش «رادیو آلمان»، جمعه ها برای آینده در این کشور نیز در نامه ای سرگشاده به دولت فدرال، بسته سیاست گذاری اقلیمی اتخاذ شده از سوی برلین را «اعلامیه سیاسی ورشکستگی» خواند و آن را نادیده گرفتن اشتیاق صدها هزار نوجوان برای آینده ای قابل زندگی و بی توجهی به هشدارهای دانشمندان توصیف کرد.

آلمان در آستانه اجلاس اقلیمی در مجمع عمومی سازمان ملل بسته اقلیمی ۵۴ میلیارد یوروی خود را برای سال های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ رونمایی کرد. این بسته شامل مخارج جدید دولتی و یارانه های مالیاتی برای گذار به اقتصادی سبزتر و پایدارتر می شود.

برلین از جمله قرار است برای حمل و نقل و ساختوساز مالیات کربن مقرر کند، مشوق ساخت خودروهای الکترونیکی را افزایش دهد و تعرفه پروازهای داخلی را بالا ببرد.

کارشناسان و فعالان محیط زیست این بسته را کافی نمی دانند و بسیاری، از جمله مدیران بانک های سرمایه گذاری آلمانی، ۵۴ میلیارد یورو بودجه در نظر گرفته شده برای گذار به اقتصادی سبزتر را «ناچیز» توصیف کرده اند.

شاخه آلمان شورش نابودی نیز اقدامات دولت فدرال را نابسند خوانده است. به گزارش «زود دوپچه زاپتونگ»، ۹۰ چهره سرشناس آلمانی در نامه ای به دولت فدرال از این اعتراضها حمایت کرده اند.

هم زمان با تلاش فعالان محیط زیست برای اعمال فشار بیشتر بر سیاست گذاران، دبیر کل سازمان ملل نیز در یادداشتی در روزنامه گاردین خواهان اقدام فوری برای مقابله با تغییرات اقلیمی شد.

آنتونیو گوترش یادداشت خود را با اشاره به اعتراض های فعالان نوجوان و جوان زیست محیطی شروع کرده بود:

«در آستانه اجلاس اقدام اقلیمی سازمان ملل در سپتامبر، میلیون ها زن و مرد جوان در سرتاسر جهان بسیج شدند و به رهبران جهان گفتند: «شما دارید ما را پشت گوش می اندازید»، حق با آن هاست.»

به نوشته دبیرکل سازمان ملل، انتشار گازهای گلخانه‌ای رو به افزایش است و به تبع آن دمای جهانی بالاتر می‌رود.

متخصصان سازمان ملل در سه گزارش هشدار دهنده در یک سال اخیر نسبت به عواقب وخیم گرمایش جهانی هشدار داده‌اند:

تأثیرات تغییرات اقلیمی یعنی خشکسالی، قحطی، مهاجرت‌های اقلیمی انبوه، بیابان‌زائی، پدیده‌های اقلیمی حاد، سیل، خسارت‌های اقتصادی، آتش‌سوزی‌های طبیعی گسترده و بسیاری موارد دیگر که به گفته سازمان ملل به «آپارتاید اقلیمی» ختم خواهد شد.



شورش نابودی در برایتون، ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۹

گوترش اما هشدار داده است که «آشوب اقلیمی» همین حالا به راه افتاده:

«علم را نمی‌توان انکار کرد اما مردم در خیلی جاها به نمودار یا گراف برای فهمیدن بحران اقلیمی نیازی ندارند.

آن‌ها می‌توانند خیلی ساده به بیرون پنجره‌هایشان نگاهی بیندازند.»

دبیرکل سازمان ملل از تعهد بیش از ۷۰ کشور و ۱۰۰ شهر برای به صفر رساندن انتشار گازهای کربنی تا سال ۲۰۵۰ خبر داده است، اگرچه اصلی‌ترین آلاینده‌ها در این فهرست نیستند.

به نوشته گوترش، بیش از ۱۰۰ رهبر جهان در دیدارهای خصوصی به او گفته‌اند که تلاش‌هایشان برای مقابله با تغییرات اقلیمی را تشدید خواهند کرد.

هم‌چنین دولت - ملت‌های مستقر در جزیره‌های کوچک وعده داده‌اند که تا سال ۲۰۳۰ به طور ۱۰۰ درصد از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده خواهند کرد. باشگاه تامین مالی توسعه بین‌المللی نیز وعده فراهم کردن یک تریلیارد دلار بودجه برای سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی پاک در ۲۰ کشور پیشرفته را داده است.

همه این‌ها به نوشته دبیرکل سازمان ملل، گام‌های مهمی هستند، اما: «کافی نیستند.»

او در نهایت با اشاره مجدد به کنش‌گری فعالان جوان و نوجوان می‌نویسد:

«اگر بخواهیم موفق شویم، بسیاری دیگر نیز باید به ما در دست زدن به کنش اقلیمی بپیوندند.»

رهبران جهان ۲۰۱۵ در پاریس متعهد شده بودند که افزایش دمای هوای سیاره نسبت به دوران پیشاصنعتی را «تا حد خوبی زیر ۲ درجه سلسیوس» نگه دارند، اگرچه تعهد اصلی مبتنی بر نگه داشتن افزایش دما در مرز ۲ درجه است. کارشناسان و فعالان محیط زیست و متخصصان پنل اقلیمی سازمان ملل می‌گویند که افزایش دمائی معادل ۱/۵ درجه تمام تأثیرات ویرانگر تغییرات اقلیمی را به همراه خواهد آورد.

«نمایش مرگ» در اعتراض به خشونت خانگی علیه زنان

صدها زن برای اعتراض و جلب توجه افکار عمومی به مسأله خشونت خانگی علیه زنان در یکی از میدان های اصلی شهر پاریس تجمع کردند و گروهی از آن ها با دراز کشیدن روی زمین به اصطلاح «مرگ» را به نمایش گذاشتند.

این تجمع اعتراضی عصر روز شنبه ۱۹ اکتبر در «پلاس دو لا رپوبلیک»، از میدان های اصلی مرکز پاریس، برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری رویترز و بر اساس آمارهای رسمی از ابتدای سال جاری میلادی تا کنون بیش از ۱۲۰ زن در فرانسه در نتیجه خشونت های خانگی جان خود را از دست داده اند.

بر اساس آمار وزارت کشور فرانسه، در سال ۲۰۱۷، صد و سی زن به دست همسر یا شریک زندگی خود کشته شدند در حالی که یک سال قبل آن، ۲۰۱۶ این آمار ۱۲۳ زن بوده است.

تجمع کنندگان که به دعوت انجمن های غیردولتی مدافع حقوق زنان در این برنامه شرکت کرده بودند، در حالی که اسامی قربانیان خشونت های خانگی را در دست داشتند ابتدا روی زمین دراز کشیدند و پس از برخاستن با هم فریاد زدند که حتی یک نفر دیگر هم نباید قربانی خشونت خانگی شود: «یک نفر دیگر هم نه!»



اندرین بوچیت، که رئیس یک انجمن حمایت از قربانیان خشونت های خانگی است و خواهر خودش به دست شریک زندگی اش در مقابل چشمان دختر ۷ ساله اش به آتش کشیده و کشته شده به رویترز گفت که بالا رفتن آمار قربانیان خشونت خانگی «غیر قابل قبول است.»

شکست حقوق بین الملل و تجاوز به مرزها

چین در ۲۰۱۴ شروع به حفاری چاه نفت در آب های اطراف ویتنام کرد و وقتی با اعتراضات ویتنام و فلیپین مواجه شد با تهدید نظامی این کشورها را وادار به عقب نشینی و سکوت کرد. تقریباً هیچ کشور قدرتمند دیگری به صورت جدی اقدامات چین را محکوم نکرد زیرا خود این کشورها نیز تفکرات سلطه گرانه ای در سر می پروراندند.

در سال ۲۰۱۸، حکومت ترکیه به همین صورت به آب های اطراف جزیره قبرس تعرض کرد. با وجود این که بیست درصد قبرس هنوز در اختیار انگلیسی ها است و انگلیسی ها عکس العمل خیلی جدی نسبت به این اقدام از خود نشان ندادند زیرا خود باید جبل الطارق را حفظ کنند و ترکیه زورگویانه حفاری های به اصطلاح نفتی خود را ادامه داد. در همین سال ارتش ترکیه از مرزهای سوریه گذشت و عفرین را اشغال کرد در سال ۲۰۱۹ ترمپ اقدام به خرید گروئلند کرد و به دانمارک فروش این جزیره را پیشنهاد داد اما دانمارک از فروش این جزیره بزرگ امتناع کرد. واکنش های جهانی به این اقدام امریکا خیلی سطحی و گذرا بود. البته نا گفته نماند که امریکا از سال

۱۸۶۷ خواستار خرید این جزیره یخی از دانمارک بوده است. با وجود این که دانمارک توانست گروئلند را در تسلط خود نگه دارد ولی مجبور به فروش چند جزیره کوچک در نزدیکی گروئلند به امریکا شد.

بی توجهی کشورهای قدرتمند جهان به تجاوز نظامی ترکیه به شمال سوریه نشانی است از این حقیقت که کشورهای سلطه گر خود نیز در همین تفکرات غرق هستند تا حدی که عکس العمل خیلی شدیدی نسبت به این اقدام تجاوز کارانه ترکیه از خود نشان نمی دهند. ترکیه می باید چراغ سبزی از امریکا، روسیه و هم چنین حکومت اسلامی ایران دریافت کرده باشد که یک هم چنین اقدام بی محابائی را انجام دهد. روسیه که با ورود به شبه جزیره کریمه اشغال گری های نظامی و سلطه گرانه خود را هويت بخشید، طبیعی است که در مقابل اقدام سلطه گرانه و اشغال گرانه ترکیه سکوت کند.

حکومت اسلامی ایران که در رویای امپراطوری شیعه از مرزهای افغانستان تا کرانه های مدیترانه بود نیز در مقابل تجاوز ترکیه سکوت اختیار کرده است تا خود نیز از سیاست اشغال گرانه در آینده بتواند بهره برداری کند و هم چنین امریکا به همین منوال سکوت می کند تا خود بتواند به سیاست های اشغال گرانه خود را در آینده ای نزدیک جامعه عمل ببوشاند.

جهان در انتظار بلوک های نظامی جدیدی است. هم چنان که در بالا ذکر شد ریشه این اشغال گری ها به ویژه در سیاست های احزاب دست راستی نهفته است. این احزاب با سیر واپس گرایانه سیاسی در کشورهای خود حقوق دمکراتیک را به چالش می کشند و بیگانه ستیزی را رواج می دهند.

ترمپ و جمهوری خواهان امریکا مرزهای خود را یک بار با کشیدن دیوار میان مکزیک تعیین می کند و بار دیگر با گسترش مرزهای خود به جنوب کشور مکزیک و با گماشتن پنج هزار سرباز در خاک این کشور در عمل مرزهای کشور خود را به داخل کشور مکزیک می گستراند. به عبارت دیگر، ترمپ مکزیک را مجبور کرده است تا با محافظت از مرزهای خود سد راه مهاجران امریکای لاتین باشد. این یعنی سلطه گری و زورگوئی به کشورهای همسایه در اعماق خاک آن ها برای حفظ منافع سرمایه داری خود است.

در همین مقیاس کشور ناسیونالیستی و مذهبی ترکیه به بهانه ایجاد یک منطقه امن برای کشور خود وارد شمال سوریه می شود تا هم مبارزین کرد را سرکوب کرده و هم جلوی مهاجرت میلیون ها سوری را بگیرد.

در اروپا بلوک نظامی جدیدی در حال شکل گیری است. فرانسه مبتکر این بلوک نظامی و دفاعی جدید است. از ده کشور اروپائی دعوت کرده است تا در این بلوک به اصطلاح دفاعی وارد شوند. بسیار جالب است که تعداد زیادی از این کشورها در ناتو نیز عضو هستند و به نظر می رسد که اعتماد به ناتو دیگر جای خود را به نگرانی داده است.

جهان به طرز فجیعی به سمت جنگ های سلطه گرانه جدیدی و درگیری های ناسیونالیستی تازه ای پیش می رود ما با پیروز شدن احزاب دست راستی و ناسیونالیستی آرامش جهانی را از دست خواهیم داد.

ثروتمندترین خانواده های جهان

به گزارش فوربس، در حال حاضر ۲۰۲۸ میلیارد دلار از ۷۲ کشور جهان وجود دارند که مجموع ثروت آن ها به رقم باورنکردنی ۹.۱ تریلیون دلار می رسد. در بین ثروتمندترین خانواده های جهان، نام ۲۵ خانواده به چشم می خورد که در مجموع ۱.۱ تریلیون دلار ثروت دارند.

ثروتمندترین خانواده های جهان:

۱- خانواده والتون

خالص ثروت: ۱۵۱.۵ میلیارد دلار

منبع ثروت: المارت

در سال ۱۹۶۲ میلادی، سام والتون و باد والتون، اولین فروشگاه المارت را افتتاح کردند. در حال حاضر المارت بزرگ‌ترین فروشگاه زنجیره‌ای در جهان است و ارزش بازار آن چیزی حدود ۱۵۱.۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

۲- خانواده کوخ

خالص ثروت: ۹۸.۷ میلیارد دلار

منبع ثروت: صنایع کوخ

چارلز کوخ و دیوید کوخ با توسعه کسب و کار خانوادگی خود در زمینه پتروشیمی به یکی از ثروتمندترین خانواده‌های امریکا تبدیل شده‌اند. درآمد سالانه صنایع کوخ، حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در سال برآورد می‌شود.

۳- خانواده مارس

خالص ثروت: ۸۹.۷ میلیارد دلار

منبع ثروت: شکلات سازی مارس

یکی از برترین برندهای شکلاتی در جهان که مالک شکلات‌های «ام اند ام» و مارس است. تخمین زده می‌شود این برند در سال ۳۵ میلیارد دلار درآمد داشته باشد.

۴- خانواده وان دام

خالص ثروت: ۵۴.۱ میلیارد دلار

منبع ثروت: صنایع بوش

صنایع بوش یکی از رو به رشدترین برندهای بزرگ جهان است به گونه‌ای که سال ۲۰۱۷ این برند ۱۷ درصد رشد سودآوری داشت.

۵- خانواده دوماش

خالص ثروت: ۴۹.۲ میلیارد دلار

منبع ثروت: هرمس

با گذشت حدود دو قرن از تاسیس هرمس، اکنون این برند یکی از شناخته شده‌ترین برندهای لوکس پوشاک در جهان است. خانواده دوماش اکثریت سهام و هم‌چنین مدیریت برندها را در اختیار دارند.

۶- خانواده ورتمایر

خالص ثروت: ۴۵.۶ میلیارد دلار

منبع ثروت: شنل

یکی دیگر از نمایندگان عرصه پوشاک در فهرست حاضر که برند آن‌ها سالانه حدود ۱۰ میلیارد دلار درآمد دارد.

۷- خانواده آمبانی

خالص ثروت: ۴۳.۳ میلیارد دلار

منبع ثروت: صنایع رلیانس

تنها نماینده آسیا در فهرست امسال که مالک بزرگ ترین مجموع پالایشگاهی در آسیا هستند. این برند هم چنین در حوزه خرده فروشی و ارتباطات نیز فعالیت دارد.

سودآورترین شرکت های جهان

آرامکو بیش از هر شرکت دیگری در جهان سودآور بوده است.

به گزارش ویژوال کپیتالیست، انحصار شرکت های بزرگ بر بازارهای بازاریهای مالی جهانی نسبت به قبل افزایش محسوسی داشته است و به این ترتیب، شرکت های بزرگ به سودآوری بسیار بالایی رسیده اند. برای نمونه در سال ۱۹۷۵ میلادی، ۵۰ درصد کل سود شرکت های امریکائی در اختیار ۱۰۹ شرکت بود اما این رقم برای امسال به تنها ۳۰ شرکت کاهش پیدا کرده است.

سودآورترین شرکت های جهان بر حسب گزارش عملکرد آن ها در بورس وال استریت و رتبه بندی مجله «فورچون»:

۱- آرامکو

کشور: عربستان

زمینه فعالیت: نفت

متوسط سودآوری در هر ثانیه: ۳۵۱۹ دلار

متوسط سودآوری ماهانه: ۳۰۴ میلیون و ۳۹ هزار و ۷۲۶ دلار

۲- اپل

کشور: امریکا

زمینه فعالیت: تجهیزات الکترونیکی

متوسط سودآوری در هر ثانیه: ۱۸۸۸ دلار

متوسط سودآوری ماهانه: ۱۶۳ میلیون و ۹۸ هزار و ۶۳۰ دلار

۳- بانک بازرگانی چین

کشور: چین

زمینه فعالیت: بانکی

متوسط سودآوری در هر ثانیه: ۱۴۲۷ دلار

متوسط سودآوری ماهانه: ۱۲۳ میلیون و ۲۹۳ هزار و ۹۷۳ دلار

۴- سامسونگ

کشور: کوریای جنوبی

زمینه فعالیت: تجهیزات الکترونیکی

متوسط سودآوری در هر ثانیه: ۱۲۶۵ دلار

متوسط سودآوری ماهانه: ۱۰۹ میلیون و ۳۰۱ هزار و ۹۱۸ دلار

۵- بانک ساخت و ساز چین

کشور: چین

زمینه فعالیت: بانکی

- متوسط سودآوری در هر ثانیه: ۱۲۲۱ دالر
- متوسط سودآوری ماهانه: ۱۰۵ میلیون و ۴۷۵ هزار و ۶۸ دالر
- ۶- بانک جی پی مورگان
- کشور: امریکا
- زمینه فعالیت: بانکی
- متوسط سودآوری در هر ثانیه: ۱۰۳۰ دالر
- متوسط سودآوری ماهانه: ۸۸ میلیون و ۹۶۹ هزار و ۸۶۳ دالر
- ۷- آلفابت
- کشور: امریکا
- زمینه فعالیت: نرم افزاری
- متوسط سودآوری در هر ثانیه: ۹۷۵ دالر
- متوسط سودآوری ماهانه: ۸۴ میلیون و ۲۰۸ هزار و ۲۱۹ دالر
- ۸- بانک کشاورزی چین
- کشور: چین
- زمینه فعالیت: بانکی
- متوسط سودآوری در هر ثانیه: ۹۷۲ دالر
- متوسط سودآوری ماهانه: ۸۳ میلیون و ۹۹۰ هزار و ۴۱۱ دالر
- ۹- بانک آف امریکا
- کشور: امریکا
- زمینه فعالیت: بانکی
- متوسط سودآوری در هر ثانیه: ۸۹۳ دالر
- متوسط سودآوری ماهانه: ۷۷ میلیون و ۱۱۵ هزار و ۶۸ دالر
- ۱۰- بانک اف چاینا
- کشور: چین
- زمینه فعالیت: بانکی
- متوسط سودآوری در هر ثانیه: ۸۶۳ دالر
- متوسط سودآوری ماهانه: ۷۴ میلیون و ۵۸۹ هزار و ۲۳۳ دالر

ثروت برنارد آرنو

به دنبال افزایش ۱۷ درصدی فروش برند مشهور «لویی ویتون» در سه ماهه سوم سال، ثروت برنارد آرنو، مدیرعامل فرانسوی آن به ۲.۹۹ میلیارد دالر رسید که حاکی از افزایش ۶.۵ درصدی ثروت وی در مقایسه با هفته قبل آن است. لویی ویتون یک هولدینگ بزرگ فعال در عرصه مد و لباس است که ۷۵ زیر مجموعه بزرگ از جمله «کریستین دیور» را تحت مالکیت خود دارد.

لویی ویتون در سال ۱۸۵۴ توسط فردی به همین نام در پاریس آغاز به کار کرد و به تولید پوشاک، کتاب، ساعت و جواهر مشغول است. مقر اصلی این برند در شهر پاریس فرانسه قرار دارد و به گفته فوربس با ارزشی معادل ۳.۳۹ میلیارد دلار، اکنون دوازدهمین برند با ارزش جهان است.

آرنو فرانسوی اکنون ثروتمندترین فرد اروپا و سومین فرد ثروتمند جهان پس از جف بزوس (۵.۱۰۷ میلیارد دلار ثروت) و بیل گیتس (۲.۹۹ میلیارد دلار ثروت) است. رقیب آرنو در اروپا مالک برند مشهور «گوچی» یعنی فرانسوا پیناو است که ۲.۳۰ میلیارد دلار ثروت دارد.

با وجود تظاهرات گسترده در هانگ کانگ که به تنهایی بین ۵ تا ۱۰ درصد کل مصرف کالای لوکس در جهان را دارد، تحقیقات موسسه «برنشتاین ریسرچ» نشان می‌دهد که فروش برند لویی ویتون در آسیا ۱۲ درصد در سه ماهه سوم سال نسبت به فصل قبل افزایش پیدا کرده است.

آخرین بار ثروت آرنو در ژوئن امسال به ۴.۱۰۰ میلیارد دلار رسید و او را تبدیل به سومین فرد ثروتمند جهان کرد. با این حال از آن زمان به بعد ثروت او نتوانسته است از مرز ۱۰۰ میلیارد دلار عبور کند.

در آخرین روز از معاملات هفتگی بورس پاریس، ارزش هر سهم برند لویی ویتون با ۳۶.۰ درصد افزایش نسبت به روز قبل خود به ۲۰.۳۷۸ یورو رسید.

میلیون ها کودک از گرسنگی یا سوء تغذیه رنج می‌برند

دست کم یک سوم کودکان زیر پنج سال در جهان، یعنی ۲۰۰ میلیون دختر و پسر خردسال به اندازه کافی غذا نمی‌خورند یا تغذیه با کیفیت ندارند. یونیسف می‌گوید آن‌ها به همین دلیل دچار سوء تغذیه، اضافه وزن یا لاغری مفرط هستند. به گزارش دویچه وله، صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) در گزارشی می‌گوید دو سوم بچه‌های شش ماهه تا دو ساله در دنیا به مواد غذایی مناسب برای رشد جسمی و ذهنی خودشان دسترسی ندارند. گزارش یونیسف در آستانه ۱۶ اکتبر، روز جهانی تغذیه منتشر شده است.

کارشناسان امر هشدار می‌دهند که مغز بچه‌ها با غذای بد یا ناکافی، به خوبی رشد نمی‌کند و آن‌ها بعداً در یادگیری دچار مشکل خواهند شد؛ ضمن آن که سیستم ایمنی بدن آن‌ها آن‌چنان ضعیف می‌شود که با کوچک‌ترین بیماری از پا در می‌آیند.

خانم هنریتا فوره، مدیر اجرایی یونیسف می‌گوید: «با وجود همه پیشرفت‌های تکنولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی در سال‌های اخیر، ما از یک واقعیت اساسی غفلت کرده‌ایم؛ این که اگر کودکان بد تغذیه شوند، بد زندگی خواهند کرد.» این مقام یونیسف هشدار داده که باید راه و روش تشخیص سوء تغذیه و مقابله با آن تغییر کند: «مسئله این نیست که بچه‌ها به اندازه کافی غذا بخورند، بلکه اصل مطلب این است که آن‌ها درست تغذیه شوند.»

گزارش یونیسف اشکال مختلف سوء تغذیه کودکان را فهرست کرده است. ۵۰ میلیون کودک از کم‌غذایی رنج می‌برند و بسیار لاغرند. ۴۰ میلیون بچه زیر پنج سال اضافه وزن دارند یا چاق هستند. ۱۴۹ میلیون خردسال دیگر به خاطر کمبودهای تغذیه‌ای، به اندازه لازم رشد نکرده‌اند و ۳۴۰ میلیون بچه نیز به عوارض ناشی از کمبود ویتامین یا مواد معدنی مبتلا هستند.

کارشناسان تغذیه بیش از هر چیز از فراگیری مصرف فست فود، جانک فود (هله‌هوله) و نوشیدنی‌های گازدار و شیرین نزد بچه‌ها انتقاد می‌کنند.

این الگوی تغذیه از کشورهای صنعتی فراتر رفته و یونیسف نسبت به آن هشدار می دهد. بیش از همه، خانواده های فقیر کودکان خود را با خوراکی های ارزان، حاضری و بی کیفیت سیر می کنند. آمار بچه ها و نوجوانان بین ۵ تا ۱۹ ساله دارای اضافه وزن، به دلیل مصرف این گونه خوراکی ها و نوشابه ها، در فاصله سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ دو برابر شده است. به طور نمونه در سال ۲۰۱۶، میزان کودکان المانی که اضافه وزن داشتند، ۶/۲۶ درصد بود که در مقایسه با سال ۱۹۹۰ معادل ۳۷ درصد افزایش داشت.

در گزارش یونیسف آمده که عادات غذایی بد از همان روز نخست زندگی یک نوزاد شروع می شود. مثلاً گرچه شیر مادر بهترین تغذیه بچه هاست اما تنها ۴۲ درصد کودکان زیر شش ماهه شیر مادر می خورند. فروش شیرخشک در کشورهایی با درآمد متوسط مثل برزیل، چین یا ترکیه نیز آشکارا بالا رفته و یونیسف، علت امر را بیش از هر چیز ناشی از «تبلیغات و بازاریابی نامناسب» می داند؛ امری که موجب شده بچه ها بعد از شش ماهگی با غذاهای نامناسب حاضری و کارخانه ای تغذیه شوند.

گرسنگان جهان

تازه ترین گزارش مشترک سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) و دیگر نهادهای سازمان ملل نشان می دهد: آمار گرسنگان نسبت به سال گذشته که ۸۱۱ میلیون نفر برآورد شده بود، افزایش داشته است.

طبق تازه ترین نسخه گزارش «وضعیت امنیت غذایی و تغذیه در جهان» که در نیویورک از آن رونمایی شد، روند کاهش شمار نوزادانی که در هنگام تولد وزن کمی دارند، بسیار کند است.

این در حالی است که اضافه وزن و چاقی، خصوصاً در بین کودکان در سن مدرسه و بزرگسالان در همه مناطق جهان، هم چنان در حال افزایش است.

در این گزارش که به صورت مشترک از سوی فائو، صندوق بین المللی توسعه کشاورزی (ایفاد)، صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)، برنامه جهانی غذا و سازمان جهانی بهداشت ارائه شده، آمده است که احتمال مواجه شدن با عدم امنیت غذایی در همه قاره ها در زنان بیش تر از مردان است؛ منطقه امریکای لاتین دارای بیش ترین شکاف در این زمینه است.

روسا و مدیران کل فائو، ایفاد، یونیسف، برنامه جهانی غذا و سازمان جهانی بهداشت در دیباچه این گزارش مشترک تاکید کرده اند: «اقدامات ما برای مقابله با این روند مشکل آفرین نه تنها در مقیاس و گستره (عمل) بلکه از نظر همکاری های بین بخشی باید برجسته تر شوند.»

در گزارش «وضعیت امنیت غذایی و تغذیه در جهان» آمده است که در بسیاری از کشورهایی که رشد اقتصادی کندی دارند، خصوصاً کشورهای با درآمد متوسط و آنهایی که اتکای بسیاری به تجارت بین المللی کالاهای اولیه دارند، گرسنگی در حال افزایش است. هم چنین در بسیاری از کشورهایی که گرسنگی در حال افزایش است، نابرابری درآمد نیز در حال بالارفتن است، مسأله ای که باعث می شود فقرا، اقشار آسیب پذیر و به حاشیه رانده شدگان برای مقابله با (شرایط ناشی از) کند شدن رشد اقتصادی با مشکلات بیش تری رو به رو شوند.

طبق این گزارش، وضعیت قاره افریقا با داشتن بیش ترین نرخ گرسنگی در جهان بسیار هشدار آمیز است؛ این در حالی است که نرخ گرسنگی در تمامی زیر منطقه های افریقا با سرعت کم اما مداومی در حال افزایش است. در شرق افریقا حدود ۳۰ درصد جمعیت دچار تغذیه نابسند هستند. علاوه بر تغییرات اقلیمی و منازعات، کند شدن

رشد اقتصادی و افول اقتصادی نیز در این مسأله دخیل هستند. از سال ۲۰۱۱، نیمی از کشورهای که به خاطر کاهش رشد یا رکود اقتصادی شاهد افزایش گرسنگی بوده‌اند، در افریقا قرار داشته‌اند. بیش‌ترین افراد دارای تغذیه نابسند (بیش از ۵۰۰ میلیون نفر) در آسیا و عمدتاً در کشورهای جنوبی این قاره زندگی می‌کنند. آسیا به همراه افریقا دارای بیش‌ترین سهم انواع اشکال سوء تغذیه هستند. علاوه بر آن، آسیا و افریقا میزبان حدود سه چهارم تمامی کودکان دارای اضافه وزن در جهان هستند، مسأله‌ای که ناشی از داشتن رژیم غذایی ناسالم است.

۲ میلیارد نفر در جهان به غذای مغذی دسترسی ندارند. طبق این گزارش تخمین زده می‌شود که بیش از دو میلیارد نفر از مردم جهان، به طور عمده در کشورهای با درآمد پائین و متوسط، دسترسی منظمی به غذای سالم، مغذی و کافی ندارند. با این حال، مسأله دسترسی نامنظم به غذای سالم، مغذی و کافی از جمله چالش‌هایی است که حتی کشورهای با درآمد بالا نیز با آن مواجه هستند.

تعداد افراد گرسنه در جهان در سال ۲۰۱۸ برابر با ۸۲۱.۶ میلیون نفر یا یک نفر از هر ۹ نفر ساکن کره خاکی است که از این میزان تعداد گرسنگان در آسیا ۵۱۳.۹ میلیون نفر، تعداد گرسنگان در افریقا ۲۵۶.۱ میلیون نفر، تعداد گرسنگان در امریکای لاتین و منطقه کارائیب ۴۲.۵ میلیون نفر، تعداد افرادی که کم و بیش یا شدیداً دچار عدم امنیت غذایی هستند دو میلیارد نفر (۲۶.۴ درصد جمعیت جهان)، تعداد نوزدانی که با وزن کم به دنیا می‌آیند: ۲۰.۵ میلیون نفر (یکی از هر ۷ نوزاد)، تعداد کودکان زیر ۵ سال که اضافه وزن دارند: ۴۰ میلیون نفر (۵.۹ درصد)، تعداد کودکان در سن مدرسه و نوجوانان که اضافه وزن دارند: ۳۳۸ میلیون نفر و تعداد بزرگسالان گرفتار چاقی: ۶۷۲ میلیون نفر (۱۳ درصد، یک از هر ۸ بزرگسال) تخمین زده شده است.

تاثیر نظریه مارکس برای تغییر جهان

کارل مارکس، پایه‌گذار سوسیالیسم علمی، بیش از هر متفکر دیگری در تاریخ علم اقتصاد درباره بحران در نظام سرمایه‌داری اندیشیده و قلم زده است.

هسته مرکزی در اندیشه‌پایه‌گذار «سوسیالیسم علمی» در نقد سیستم سرمایه‌داری آن است که بحران، همزاد این سیستم است و سرانجام آن را به سوی زوال و نابودی می‌کشاند.

مارکس که در آرزوی برانداختن سیستم موجود و برپا کردن نظامی تازه بود، تصمیم گرفت نظریات سیاسی خود را با داده‌های اقتصادی مستدل کند. وی که پس از شکست انقلابات ۱۸۴۸ در رشته‌ای از کشورهای اروپایی، از سکونت در بیش‌تر کشورهای اروپای غربی منع شده بود، به ناچار از سال ۱۸۴۹ به لندن رفت و تا پایان عمر در این شهر زندگی کرد. در انگلستان او فرصت یافت که با دوری نسبی از فعالیت سیاسی، به مطالعه دقیق علم اقتصاد بپردازد. وی هر روز به کتاب‌خانه «بریتیش میوزیوم» می‌رفت و تمام وقت به مطالعه متون، اسناد و مجلات اقتصادی می‌پرداخت و یادداشت برمی‌داشت.

پیش از نگارش کار بزرگ «سرمایه»، مارکس مجموعه بزرگی از یادداشت‌های خود را به عنوان «گروندریسه»، یا کارپایه‌نقد اقتصاد سیاسی» به رشته‌تحریر در آورد، که مدت‌ها پس از مرگش در سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱ نخستین بار در اتحاد شوروی (سابق) چاپ شد. این اثر که به فارسی نیز ترجمه شده، شالوده کتاب سرمایه و به طور کلی سنگ بنای وجه اقتصادی مارکسیسم به شمار می‌رود.

به عقیده مارکس، بزرگ و انبوه شدن در ذات سرمایه است، و ثابت ماندن در حکم مرگ آن است. او تلاش می کند ثابت کند که این رشد تا ابد ممکن نیست و در جایی به رکود و سپس بحران می کشد و آن گاه است که ساعت مرگ سرمایه فرا می رسد.

مارکس برای خود وظیفه ای عظیم در نظر گرفته بود: او قصد داشت در اثری یگانه، تمام ویژگی ها، جوانب، روابط و موازین نظام سرمایه داری را تحلیل و نقد کند. کتاب سرمایه اثری بسیار پرمغز و پیچیده است. از این رو، اغلب پیروان مارکس نه متن مفصل اصلی، بلکه متن فشرده و ساده شده آن را می خوانند، زیرا بیشتر به استنتاجات سیاسی آن نظر دارند.

«سرمایه»، حتی برای کارشناسان مخالف مارکسیسم، اثری کلیدی در نقد نظام سرمایه داری کلاسیک، تحلیل ساختارها و تشریح مشکلات آن به شمار می رود.

جلد اول سرمایه تنها در هزار نسخه به سال ۱۸۶۷ در هامبورگ منتشر شد. (مارکس در سال ۱۸۸۳ درگذشت.) جلد دوم سرمایه در سال ۱۸۸۵ و جلد سوم آن در سال ۱۸۹۴ به همت دوست و یاور او فریدریش انگلس انتشار یافت.

بعدها از یادداشت های تکمیلی مارکس، کتابی به عنوان «تئوری های ارزش اضافی» تدوین شد، که گاه از آن به عنوان جلد چهارم سرمایه نام برده می شود. این اثر نیز به سازوکار نظام سرمایه داری و نقد آن اختصاص دارد. جلد اول کتاب سیر طولانی سرمایه را در طول تاریخ دنبال می کند: از نخستین وجوه مبادله، پیدایش و رواج پول تا بالاترین جلوه های سرمایه خالص انحصاری.

سرمایه از سه مرحله می گذرد: پولی، تولیدی و کالائی. سرمایه پولی در ورود به بازار کار، با نیروی کار و وسایل تولید همراه می شود، و به صورت سرمایه تولیدی یا سرمایه بارآور درمی آید. سرمایه تولیدی با تولید کالا به سرمایه کالائی متحول می شود. کالا با ورود به بازار به نوبه خود، پول فراهم می آورد که باز بخش اعظم آن به سرمایه پولی بر می گردد و آن را با شتاب و شدت بیش تری به حرکت می اندازد. به نظر مارکس این سیر دورانی، مدام تندتر و پیچیده تر می شود.

در روند رشد سرمایه و بازتولید آن، مارکس مراحل مانند تجمع، انحصار و تمرکز را تشریح می کند. سرمایه تولیدی از آغاز دو بخش دارد: ثابت و شناور (ناپایدار). سرمایه شناور است که کار را به استخدام می گیرد (با تمایز میان کار مجرد و کار مشخص، کار مولد و غیرمولد). با ارزشی که بر اثر کار (یک نیروی اجتماعی) پدید می آید و به صورت کالا مجسم می شود، یک «ارزش افزوده» برمی گردد که سرمایه را باز هم فربه تر می کند. مارکس شکل های گوناگون ارزش افزوده یا اضافی را به صورت مفصل و فنی توضیح می دهد.

جلد دوم بار دیگر از فرایند تولید سرمایه داری سخن می گوید و از بازسازی فراگرد دورانی و بی پایان سرمایه (از روند تبدیل سرمایه به کالا تا مرحله سرمایه به سرمایه و...) تا برخی از جوانبی که در جلد اول کتاب مسکوت مانده بود: انواع تولی (تولید کالا و مواد مصرفی تا تولید ابزار تولیدی)، اشکال سود و بهره و...

مارکس نکته ای را یادآور می شود که برای درک بحران های نظام مهم است: در فراگرد بغرنج انباشت سرمایه، پس از تراکم و تمرکز و انحصار، بخشی از نقدینه خود را از روند تولید آزاد می کند و به صورت سرمایه خالص مالی به جریان می افتد. انبوه ثروت فردی بر کل روند تولید چیره می شود و بر سیر آن تاثیر می گذارد. اصل «کم ترین سرمایه برای بیش ترین بهره» رقابت طبیعی کار با سرمایه را به رقابت شدید سرمایه با سرمایه متحول

می‌کند. هرگاه سرمایه به سودی هم ارز با موازین مشخص رقابت در بازار دست نیابد، کل نظام دچار بحران می‌شود.

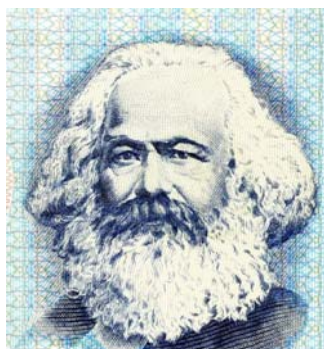
مارکس بار دیگر نتیجه می‌گیرد: «انحصار سرمایه برای شیوه تولیدی که خود با آن و تحت تاثیر آن شکوفا شده، به صورت مانع رشد در می‌آید. تضاد میان تمرکز وسایل تولید از سوئی و سرشت اجتماعی نیروی کار از سوی دیگر به حدی می‌رسد که همنشینی آن‌ها دیگر در پوسته سرمایه داری نمی‌گنجد. این پوسته سرانجام می‌ترکد.»

جلد سوم سرمایه به پدیده‌ها و کارکردهای مشخص نظام سرمایه داری بر پایه داده‌ها و گزاره‌های نظری دو جلد پیشین کتاب می‌پردازد. روابط کاری و موازین دستمزد، مناسبات تولید و توزیع و مصرف، رقابت بنگاه‌های مالی و تجاری، سرمایه گذاری در زمین و املاک غیرمنقول و سرانجام مقاومت مزدگیران به صورت مبارزه متشکل طبقاتی...

مارکس از جمله توضیح می‌دهد که با پیشرفت فنی، تناسب میان سرمایه ثابت و سرمایه شناور به سود اولی به هم می‌ریزد، در حالی که بیش‌ترین سود همیشه از بخش دوم ناشی می‌شود. با پائین آمدن میزان سود، انگیزه تولید افت می‌کند، و سرمایه از رشد و تکامل، یعنی عنصر حیاتی خود دور می‌افتد. علایم بیماری به صورت رشته‌ای از عارضه‌های اقتصادی و اجتماعی ظاهر می‌شود. سرانجام با یورش گورکنانی که سرمایه داری خود آفریده است (پرولتاریا) ناقوس مرگ آن به صدا در می‌آید.

واقعیت این است که مارکس آثار خود را در دوره کلاسیک سرمایه داری، در نقد نظرات آدام اسمیت و داوید ریکاردو و سایر اقتصاددانان قرن نوزدهم نوشته بود.

با این وجود، کتاب سرمایه هنوز روشنگر است: برای مارکس کار انسانی تنها سرچشمه هرگونه ارزشی است. سرمایه داری بر تولید ارزش متکی است، اما در نظامی آشفته و مهارگسسته، شیوه‌های انحرافی و تقلب آمیز رواج می‌یابد که سودآوری را بدون هیچ ارزشی ممکن می‌سازد. بورس بازی و معاملات بی‌پایان با اوراق بهادار ... در بورس هیچ ارزش تازه‌ای تولید نمی‌شود، همان ارزش ثابت است که مدام میان بورس بازان دست به دست می‌شود و قیمت صوری آن بالاتر و بالاتر می‌رود. گرایش نئولیبرال که از اوایل دهه ۱۹۸۰ در نظام مالی رواج یافت، نه تنها با این بی‌بندوباری کاری نداشت، بلکه آن را تشویق نیز می‌کرد.



مارکس فروپاشی قطعی حکومت سرمایه را با اتکا به علم و تجارب تاریخی، پیش بینی کرده است: «هر نظم تاریخی در تکامل جامعه، پایه‌های مادی سامانه‌ای برتر را فراهم می‌آورد. هر شکل اجتماعی در مرحله معینی از کمال، جای خود را به نظامی بالاتر می‌دهد. هنگامی که تضاد میان مناسبات توزیع ثروت، که بازتاب شکل تاریخی مناسبات تولیدی هستند، با نیروهای تولید و ظرفیت‌های تولیدی به نهایت برسد، تعارض دامنه و ژرفای بی‌سابقه‌ای پیدا می‌کند. در این حال برخوردی قطعی میان تکامل مادی تولید و شکل اجتماعی آن پدید می‌آید.»

مارکس این شرایط را زمینه ای برای انقلاب اجتماعی می داند. مارکس و انگلس فعالیت های سیاسی و تبلیغاتی خود را به شرکت در محافل چپ و کارگری محدود نمی کردند، حتی آن ها، در کنفرانس ها و مجامع بورژوائی شرکت می کردند تا باورها و سیاست های خود را حتی به گوش دشمنان طبقاتی خود نیز برسانند. از جمله نام نویسی برای سخنرانی در کنگره بین الملل اقتصاددانان در بروکسل!

جمع بندی

برخی کارشناسان بر این عقیده اند که تجربه نئولیبرالیسم - مالیات کم تر برای ثروتمندان، مقررات زدائی از بازار کار و محصول، مالی سازی اقتصاد و جهانی سازی، با شکست های چشم گیر مواجه شده است. شاخص رشد اقتصادی کم تر از ربع قرن بعد از جنگ جهانی دوم است و بیش تر سود آن نصیب افرادی با درآمدهای با سطح بسیار بالا شده است. بعد از دهه ها رکود و کاهش درآمد برای کسانی که در سطوح پائین تر بوده اند، اعلام پایان جریان نئولیبرالیسم ضروری به نظر می رسد.

رشد اقتصادی پائین، افزایش نابرابری، بی ثباتی مالی و تخریب محیط زیست مشکلاتی است که از غلبه بازار بر دیگر نهادها منتج می شود. دولت های سرمایه داری همگی به وظیفه محدودسازی و شکل دهی به بازار از طریق عواملی مانند محیط زیست، سلامت، امنیت شغلی و انواع دیگری از وضع مقررات اولویت داده اند. آن ها به سرمایه گذاری در پژوهش های پایه ای، تکنولوژی، آموزش و سلامت اهمیتی نمی دهند. بنابراین، تا وقتی دولت ها سیاست های اقتصادی نئولیبرالیسم را تجویز می کنند، این مشکلات وخیم تر هم خواهند شد.

همه این عواملی که در بالا بدان ها اشاره کردیم به طور بالقوه منجر به نتایجی می شود که ما حتی نمی خواهیم آن را تصور کنیم. جهان به سوی جنگ های سلطه گرانه جدیدی پیش می رود!

مرزهای رسمی کشورهای جهان و آب های اطراف این کشورها دیگر مورد احترام کشورهای جنگ طلب سلطه جو نیست. تغییر مرزها در خاورمیانه و تشکیل کشورهای جدید بعد از فروپاشی شوروی و تجزیه یوگسلاوی سابق به طور جدی در دستور کار کشورهای سلطه گر قرار گرفته است.

هم چنین قدرت گرفتن احزاب دست راستی، ناسیونالیستی و فاشیستی در بسیاری از کشورهای جهان تفکر برتری طلبی و تنفر از پناهندگان و مهاجران را دامن زده است. در بسیاری از موارد تفکر ناسیونالیستی و فاشیستی با تفکر مذهبی هم راستا شده است.

عواملی چون گرم شدن زمین، افزایش جمعیت جهان، کمبود آب و کمبود منابع طبیعی و معدنی، فقر و بیکاری و تمایل به مهاجرت زمینه های به اصطلاح موجه برای کشورهای سلطه گر را برای تجاوز و تعرض به کشورهای دیگر به وجود آورده است.

سرعت ایجاد و گسترش اعتراضات نسبت به دهه های پیش تر شده است، در عوض این اعتراضات شکننده تر نیز شده اند. بسیج مردمی سابقا دشوار اما پایدار بود. اعتراضاتی که در شبکه های اجتماعی سازماندهی می شوند می توانند زودتر پا بگیرند، اما شاید زودتر هم از پا می افتند.

روز چهارشنبه، ۸ آبان - ۳۰ اکتبر، آیت الله علی خامنه ای سردمدار خشونت طلب و جنگ طلب حکومت اسلامی ایران در مراسمی که به مناسبت اعطای سردوشی به دانشجویان افسری ارتش برگزار شده بود شرکت کرد و در بخشی از سخنان خود، به بررسی شرایط بحرانی در عراق و سوریه پرداخت.

او ادعا کرد که «بزرگ‌ترین لطمه‌ای که دشمنان می‌توانند به یک کشور بزنند، این است که امنیت را از آن سلب نمایند، یعنی کاری که امروز در برخی کشورهای منطقه شروع کردند و امنیت را از مردم می‌گیرند.»
خامنه‌ای طبق معمول امریکا و برخی کشورهای منطقه را عامل ناآرامی در عراق و لبنان توصیف کرد و گفت: «در دنیا بیش‌تر از همه، امریکا و سرویس‌های اطلاعاتی غربی با پشتیبانی پول کشورهای مرتجع منطقه دارند آشوب به پا می‌کنند. این بدترین دشمنی و خطرناک‌ترین کینه‌ورزی علیه یک ملت است.»
اما او نگفت که چرا قاسم سلیمانی فرمانده سپاس تروریستی قدس را راهی عراق کرد تا نگذارد نخست‌وزیر این کشور استعفا دهد چه ربطی به حکومت اسلامی ایران دارد؟

اگر تا دیروز نگرانی مقامات حکومت اسلامی ایران، از امریکا و متحدان آن در منطقه بود اکنون در پی تحولات اخیر و تظاهرات گسترده در عراق و لبنان دو منبع نگرانی جدیدی نیز به نگرانی‌های قبلی‌شان افزوده شده است.
تظاهرات در عراق و لبنان همراه با نوعی دشمنی نسبت به حکومت اسلامی ایران و از جمله آن آتش‌زدن پرچم این کشور و عکس‌های خامنه‌ای و حمله به مقرهای احزاب مورد حمایت سپاه پاسداران بوده است که مستقیماً منافع حکومت اسلامی ایران را در این کشورها و منطقه به خطر انداخته و بر نگرانی‌های حکومت از احتمال وقوع تظاهرات مشابهی در خود ایران افزوده است. بنا به این گزارش نگرانی‌های ایران از تحولات اوضاع در عراق و لبنان با سفر قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس به بغداد جهت کمک در سرکوب تظاهر کنندگان بسیار واضح بود.

چندی پیش نیز مرکز آمار ایران نرخ تورم سالانه شهریور ۱۳۹۸ را ۴۲/۷ درصد اعلام کرد. مرکز آمار ایران افزایش قیمت اقلام خوراکی را یکی از عوامل اصلی نرخ رشد تورم به‌طور کلی معرفی کرده است. جامعه ایران، اعتراض مردمی که اکنون در کشورهایی که در بالا اشاره کردیم در جریان است هم چون علیه فقر، بیکاری، گرانی و فساد دولتی را تجربه کرده است بی‌تردید بسیاری از شهروندان ایرانی و در پیشاپیش همه جوانان، خود را آماده می‌کنند که این بار با قدرت و با هدف تغییر وارد تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران شود.
بحران خاورمیانه در راس بحران‌های جهانی قرار دارد و ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و احتمال درگیری در منطقه به شدت رو به افزایش است. عمده‌ترین مسأله‌ای که محور بحث و بررسی نشست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را در این روزها شکل می‌دهد، نحوه واکنش و پاسخ مناسب به حمله ترکیه به روژآوا، احتمال ظهور مجدد داعش، تحولات عراق، لبنان، یمن و ایران و حمله بر تاسیسات نفتی بقیق و خریص است و تلاش‌ها از هر سو برای اتخاذ اقدامات فراخور با میزان خطر این حمله در جریان است با توجه به پیامدهای ناگوار اقتصادی و سیاسی و نظامی حمله به روژآوا و به تاسیسات نفتی آرامکو، به نظر می‌رسد واکنش به این حملات، سناریوهای متعددی داشته و عرصه‌های مختلفی را در بر گیرد!

خلاصه کلام تا روزی که حکومت‌های سرمایه‌داری به عنوان اقلیتی نفع‌پرست، سرکوبگر و جنگ‌طلب حاکمند و در راستای منافع خود و حفظ حاکمیت‌شان به هر جنابیتی متوسل می‌شوند اوضاع بشر نه تنها بهبود نخواهد یافت، بلکه به مراتب بدتر از این هم خواهد شد. از این رو، رهائی، برابری و آزادی واقعی، زمانی فرا خواهد رسید که این حکومت‌ها با قدرت مردمی پائین کشیده شوند و مدیریت و شعور جمعی با روابط و مناسبات شورائی بر جوامع بشری، جایگزین آن‌ها گردد!

یکشنبه دوازدهم آبان [عقرب] ۱۳۹۸ - سوم نومبر ۲۰۱۹